سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار ۵۲

۱۶ صفحه

سال دوم- دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۵۹ — بها ۲۰ ریال

گرامی باد یاد شهدای بخون خفته خلق که در روزهای اخیر درکردستان و در دانشگاههای سراسرکشور بشهادت رسیدند!

منطق «انقلاب فرهنگی» هیئت حاکمه: سرکوب، ترور، تجاوز...!

- گزارشاتی از تهاجم فاشیستی عوامل ارتجاع به دانشگاههای شیراز، اهواز و سیستان و بلوچستان

صفحه ۲

چرخش به سمت سرکوب

نگاهی به سیاست های اخیر هیئت حاکمه

سلسله حرکاتی که از مدتی پیش توسط حکومت به مورد اجراء گذاشته میشود، یکبار دیگر یورش شهریور ۵۸ را در خاطره ها زنده می‌کند. در آن هنگام نیز جناحهای مختلف هیئت حاکمه مشترکاً توطئه سرکوب سراسری خلقهای ایران را به مورد اجراء گذاشتند. آنگاه که پس از گذشت مدتی این توطئه عقیم ماند و خلق دلاور کرد و کلیه نیروهای انقلابی به مقابله با اقدامات رژیم پرداختند، آنگاه عقب نشینی حکومت، مسئله سفارت و "مبارزه ضد امپریالیستی" هیئت حاکمه مطرح گردید. این تغییر تاکتیک (از سرکوب به لیبرالیسم) بسیاری از توده های خلق را که می رفتند تا موقعیت حکومت ضدخلق را با زشتا ستد وصف خود را از آن جدا سازند، به اشتباه انداخت. "طلسم کردستان"، "مبارزه با امپریالیسم آمریکا"، "بازکردن فضای بازسیاسی" و ... در مجموع تاکتیکی بود که دو باره توده ها را گرد "رهبری مذهبی" جمع آوری کند و شکست فضاحت بار آنرا در نما می عرصه های سیاسی، اقتصادی و ... پنهان کند. چند ماه گذشته فرصتی بود برای هیئت حاکمه تا با زباکشاندن توده ها به خیابان و زیر چتر رهبری مذهبی، نیروی وسیع تری را تجهیز نماید. ۴۰ ماه پیش و در جریان "مبارزه ضد امپریالیستی" هیئت حاکمه ما هنوز را دیم که هیئت حاکمه وظیفه حفظ و پاسداری نظام سرمایه داری وابسته را بر عهده دارد و شناقضات این نظام ناگزیر هیئت

بقیه در صفحه ۱۱

اخباری از کردستان قهرمان

صفحه ۴

کودک چهار ساله ای که در سقز با گلوله نظامیان مزدور به شهادت رسیده است.

در راهپیمایی روز چهارشنبه ۵۹/۲/۳ راهپیمایان یکصدا فریاد میزدند:

کشتار در دانشگاه، سرکوب در کردستان، بنفع امپریالیسم علیه زحمتکشان!

ساعت ۴ روز چهارشنبه ۵۹/۲/۳ جمعیت کثیری از مردم به دعوت دانشجویان هوادار سازمان پیکار و دانشجویان مبارز در مقابل بیمارستان امام خمینی گرد آمده اند تا متحداً جنایات رژیم را در دانشگاهها محکوم نمایند.

اتوبوه مردم به سخنرانی که از طرف رفقای برگزارکننده ایراد میشد گوش می دادند و پیش از پیش حق جنایات رژیم از پرده بیرون می افتاد. سخنرانان ضمن محکوم نمودن

بقیه در صفحه ۱۶

اطلاعیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بمناسبت شکست توطئه نظامی آمریکا برای نجات گروگان های جاسوس:

توطئه امپریالیسم آمریکا وحامیان داخلی آن علیه خلقهای ایران محکوم است!

هموطنان مبارز!

شکست و برملاشدن یکی دیگر از توطئه ها و تجاوزهای امپریالیسم آمریکا در ایران بار دیگر خشم خلقهای ما را علیه این وحشی ترین، جنایتکارترین ریخ افزون تر ساخت. خلق ما یکصدا این توطئه نظامی کارتر را برای نجات گروگانهای جاسوس آمریکائی محکوم می نماید. ما نیز در اینجا قبل از هرچیز دیگر لازم می دانیم همراه با تمامی خلقهای ایران

بقیه در صفحه ۱۵

زحمتکشان در چنگال فقر

چندی پیش بنی صدر در اجتماعی از بازاریان گفت:

"هر روز گرانشهائی میرسد که مردم از کمبود گوشت، نفت، بنزین، وضع نان و دیگر ارزاق به تنگ آمده اند و گاهی حالت عصیان به آنها دست میدهد."

بخوبی پیداست که بنی صدر بیشتر از جناحهای دیگر هیئت حاکمه به اهمیت بحرانی که سرتاپای نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را در برگرفته است آگاهی دارد. از همین روست که او امروز در میان هیئت حاکمه بعنوان کسی شناخته شده است که با "رفرم" و سرکوب بسراغ جنبش توده ای آمده است.

بقیه در صفحه ۷

گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران

- «روزکارگر» خاری در چشم رژیم جمهوری اسلامی
- نگاهی به جنبش کارگری از سال ۴۸ به بعد

صفحه ۱۲ و ۱۳

پیروزی شکوهمند خلق ویتنام بر امپریالیسم امریکا

صفحه ۶

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

منطق «انقلاب فرهنگی»، هیئت حاکمه: سرکوب، ترور، تجاوز...!

گزارشی تکاندهنده از تهاجم چماقداران حزب جمهوری اسلامی به دانشگاه اهواز

بعد از خاتمه نماز جماعت روز جمعه ۲۹ فروردین ماه در اهواز و پس از قرائت پیام رادیوئی بنی صدر و شورای انقلاب در ساعت ۲ عده‌ای در حدود ۳۰ـ۲۰ نفر چماقدار، به دانشگاه جندی شاپور حمله کردند، اما بعلت حضور دانشجویان در دانشگاه که تا حدودی آماده دفاع از دانشگاه بودند، نتوانستند در بعضی از دانشکده‌ها تعدادی از پوسترها و اعلامیه‌ها را پاره کنند.

روز یکشنبه ۳۱ فروردین ماه بدعوت جنتی حاکم شرع و امام جمعه اهواز مردم به نماز وحدت در مغرب و عشا دعوت شدند. این دعوت جنتی بمنظور ارزیابی نیروها برای حمله به دانشگاه بود. آنروز جمعیت کم بود (حدود ۱۵۰۰ نفر) و حمله‌ای به دفاتر نشد. روز ۲ شنبه ۵۹/۲/۱ بعد از ظهر انجمن های اسلامی را به بیمائی داشتند و جمعیتی در حدود ۲۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند. روز سه شنبه ۵۹/۲/۲ مجدداً از طرف جنتی مردم به نماز وحدت ظهر در دانشگاه دعوت شدند. این دعوت از طریق رادیو و همچنین اکیپ های سیار با بلندگو در سطح شهر انجام می گرفت. درضمن دانشجویان عضو انجمن اسلامی به درخانه های مردم رفته و از آنها برای نماز و حمله به دفاتر دعوت می‌کردند. در این روز ساعت ۲ بعد از ظهر نماز وحدت در دانشگاه برگزار شد. در همان حال عده زیادی از دانشجویان، دانش آموزان و سایر مردم در محوطه دانشکده علوم اجتماع گرد آمده بودند. جنتی ضمن سخنان خود گفت باید بیانیه (منظور دانشجویان انقلابی و کمونیست ـ ها) مثل عوامل رژیم سابق برخورد کرد.

پس از مدتی سخنرانی و تحریک مردم علیه دانشجویان انقلابی، حدود صد نفر از جمعیت نماز گزار جدا شده، با چوب و چماق و کارد... بطرف جمعیتی که مقابل دانشکده علوم اجتماع کرده بودند، یورش بردند. درگیری حدود ساعت یکربع به ۳ با سنگ و چوب و... آغاز شد و بلافاصله به تیراندازی کشیده شد. گذشته از پاسداران مسلحی که در محل حضور داشتند، عده‌ای از اوباشان وفالانژهای حرفه‌ای هم مسلح به کلت بودند. چماقداران مسلح بی محابا و مستقیماً بطرف دانشجویان شلیک می کردند و پاسداران هم از همان دقایق اول درگیری به حمایت از چماقداران و اوباشان حزب جمهوری اسلامی مشخصاً به طرف دانشجویان شلیک می نمودند. درگیری ها بشدت خشونت آمیز بود و حدود یک ساعت طول کشید. تعداد زخمیها به نسبت مدت درگیری وحشتناک بود. از همان ابتدای درگیری رادیو اهواز اعلام کرد که کمونیستها دارند برادران مسلمان را می کشند و از مردم دعوت کرد که به دانشگاه بیایند و حتی هم از طریق رادیو پیام فرستاد مردم را برای کمک به مسلمانان به دانشگاه فراخواند.

از دانشجویان و... عده زیادی زخمی شدند و به بیمارستان گلستان در انتهای خیابان دانشگاه منتقل شدند. همراه این زخمیان تعداد زیادی از دانشجویان، دانش آموزان و هواداران نیروهای انقلابی برای پرستاری و... به بیمارستان رفتند. عده‌ای دیگر نیز در حال عقب نشینی به بیمارستان رفته بودند. برخی دیگر هم در بیشه های پشت دانشگاه، جنب رودکارون پراکنده شده بودند. در اولین لحظات هجوم به دانشگاه، بیمارستان گلستان و ...

مملو از زخمی و با رفقای همراه آنها بود به محاصره فالانژها و پاسداران درآمد. چماقداران و چاقوکشان با نکشتن شیشه‌های ورودی بیمارستان بقصد کشتن دانشجویان به بیمارستان هجوم آوردند. آنان در ابتدا عده‌ای از پزشکان و پرستارانی را که در مقابل تهاجم فاشیستی آنها مقاومت کرده بودند، دستگیر کرده و سپس به دانشجویان یورش بردند، و آنها را دسته دسته در حالیکه از طرف فالانژها ـ شی که در دو طرف صف کشیده بودند بشدت مضروب می کردند، بداخل اتوبوس منتقل کرده و از بیمارستان خارج نمودند. تعداد دستگیر ـ شدگان متجاوز از ۸۰۰ ـ ۷۰۰ نفر است که عده زیادی از آنها دانش آموزی باشند. در همان حال گروهی از فالانژها و پاسداران هم در بیشه‌های اطراف در جستجوی دانشجویان و... بودند. طبق اخبار موثق، آنشب چند دختر دانشجو... از طرف فالانژها مورد تجاوز وحشیانه قرار می گیرند، بطوریکه ۳ تن از آنها در بیمارستان بستری شده‌اند. همچنین تعدادی از دانشجویان و... را کشته و جسد ـ شان را به رودخانه کارون که در پشت دانشگاه است، انداخته بودند که تاکنون سه جسد از آب گرفته شده است. به احتمال زیاد طرز عمل فالانژها در مورد افرادی که به بیشه‌های پشت دانشگاه پناه برده بودند، بدین نحو بوده که به دختران تجاوز کرده و پسرها را کشته‌اند. بر خلاف آمار رسمی رژیم که کشته شدگان را ۷ نفر ذکر کرده تاکنون حداقل ۱۵ نفر به شهادت رسیده‌اند که اغلب آنها دانشجو هستند. ۳۰ نفر از دختران مجروح که از ناحیه لگن خاصره و یا تیر خورده بودند، تنها در اثر خونریزی و عدم مراقبت پزشکی به شهادت رسیده‌اند. اسم هیچکدام از اینها در لیست رسمی رژیم نیست. علاوه بر آن عده‌ای مفقود الاثر شده‌اند. بنا ـ بر این آمار کشته شدگان بیش از ۱۵۰ نفر، زخمی ها ۱۵۰ نفر و دستگیر شدگان حدود ۸۰۰ نفر هستند. عوامل ارتجاع بلافاصله در شهر شایع کردند که تمام کشته شدگان شهدای مذهبی هستند که توسط دانشجویان به شهادت رسیده‌اند. آنها همچنین ادعا کرده‌اند که از دفاتر دانشجویان و پشت بام دانشکده علوم تیربار و مسلسل کلاشینکف کشف کرده‌اند. این ادعای بیشرمانه را حتی غرضی استاندار خوزستان در نزد آیت الله خمینی تکرار کرده و اضافه نموده است که کلیه ۸۰۰ نفری که دستگیر شده‌اند، عوامل رژیم و از خدمه تیر ـ بارهای کشف شده می باشند.

در حال حاضر نزدیک به ۸۰۰ نفر زندانی در دستجات مختلف و در نقاطی مانند گاراژ اتوموبیل، تالار شهرداری، مرکز سپاه، کمیته صحرا و... نگهداری میشوند و در بد ـ ترین شرایط به سر می برند. بعنوان نمونه در یک گاراژ جنب بیمارستان جندی شاپور ۱۷۰ نفر دختر محصل و دانشجو در بدترین وضعی زندانی می باشند.

گذشته از دستگیری افرادی که در بیمار ـ ستان و بیشه‌های اطراف دانشگاه بودند، فالانژها و پاسداران بهرکسی که از نظر قیافه و یا شناسائی قبلی در خیابان و یا محلهای تجمع مردم مشکوک می شدند دستگیر میکردند. عده زیادی به این طریق دستگیر شده‌اند.

هموطنان مبارز! نیروهای انقلابی!

براساس شواهد موجود، مسئله دانشگاه اهواز توسط رژیم بعد وسیعی پیدا کرده و نشانه‌هائی از یک توطئه شوم بچشم می خورد. [illegible] رژیم حتی در رادیو و تلویزیون با صراحت و بطور بیشرمانه‌ای از کشف تیربار و اسلحه از مکانهای دانشجوئی صحبت میکنند. غرضی فوراً به نزد آیت الله خمینی رفته! و قدوسی روی مسئله خوزستان و شدت عمل در برابر دستگیرشدگان و محاربان آنها و حتی اعزام حاکم شرع از قم تاکید کرده است.

هم اکنون رژیم میخواهد این مسئله را با انفجارات لوله‌های نفت در خوزستان پیوند دهد. غرضی در مصاحبه تلویزیونی پنجشنبه شب خود (۵۹/۲/۴) یکی از عوامل انفجارها را تیروهای چپ قلمداد کرده است. براساس اخبار رسیده دوتن از کارکنان صنعت نفت اهواز به نامهای ایدی و حکوندی به اتهام قطع تولید نفت به اعدام محکوم شده‌اند و جوادخانمی دستگیر شده است و...

از هر طریق ممکن و با تمام توان خود بکوشیم تا با افشاگری و آگاه کردن مردم توطئه احتمالی رژیم را با شکست روبرو سازیم.

گزارشی از تهاجم فاشیستی عوامل ارتجاع به دانشگاه سیستان و بلوچستان

در جریان حمله سراسری چاقوکشان و اوباشان حزب جمهوری اسلامی بدانشگاهها و مراکز آموزشی که با تشدد شورای انقلاب و دولت بنی صدر انجام گرفت، در زاهدان نیز عوامل ارتجاع (بخصوص ارتجاع محلی)، سپاه پاسداران، استاندار، دادستان انقلاب، روحانیت شیعه به سردمداری "مزاری" مرتجع و مولوی های جیره‌خوار ساواک، انجمنها و اتحادیه‌های اسلامی و... فرصت را غنیمت شمردند و با بسیج مردم ناآگاه برای کشتار، ترور و سرکوب نیروهای انقلابی ترس و نفرت خود را آگاهی نمایش گذاشتند.

روز سه شنبه ۵۹/۲/۲ ساعت ۹/۵ صبح حدود ۲۰۰۰ نفر از مردم ناآگاه و تحریک شده سیستان و بلوچستان در حالیکه پیشاپیش آنها اوباشان، چماقبدستان، سپاه پاسداران، روحانیون مرتجع شیعه، مولوی ها، استاندار و دادستان انقلاب و... حرکت می کردند بطرف دانشسرای عالی زاهدان راه افتادند و پس از توقف کوتاهی در آنجا و به اصطلاح گرفتن دفاتر خالی، بطرف دانشگاه که بیرون شهر است حرکت نمودند. جمعیت که توسط چند استیشن نمره شخصی و اداری و یک بلیزر و جند جیپ و اتوموبیل گشتی پلیس همراهی میشد، ظاهری عادی داشت و بسیاری از مردم تحریک شده نمیدانستند که تعداد زیادی پاسدار مسلح به کلت و یوزی در لباس شخصی و بلوچی در آمده‌اند و همراه آنها حرکت می کنند. در بین راه مرتب مینی ـ بوسی شعارهائی در تائید تصمیم شورای انقلاب و علیه نیروهای انقلابی و مترقی پخش می کرد و جمعیت را برای حمله تشویق می نمود. صف مهاجمین حدود ساعت ۱۱/۵ به دانشگاه رسید و در حالیکه یک تانک و چند ریوی ارتشی با افراد مسلح رو به دانشگاه ایستاده بودند، وارد آن شدند. جمعیت پس از چند دقیقه به صف دانشجویانی که مقابل ساختمانها اجتماع کرده بودند نزدیک شد. یکی از مولوی ها برای مذاکره بطرف آنها رفت ولی قبل از آنکه سخنی بگوید با تحریک بلندگو تحت این عنوان که اینها میخواهند با وقت تلف کردن نیروهای ما را فرسوده کنند، حمله به دانشجویان با میله‌های آهنی، چوب، کارد، قمه و اسلحه سوری و کلت شروع شد. در این هنگام عده‌ای عناصر مسلح که درون جمعیت بودند، بهمراه افراد مسلح یک استیشن سبز رنگ با رگبارهای مکرر هوائی اوضاع را بیشتر متشنج می کردند.

افراد ناآگاه و تحریک شده هرکسی را که پیدا می کردند، اعم از دختر و پسر، بشدت مضروب و مصدوم می کردند. حتی زمانیکه یک دانشجو از شدت جراحات وارده بزمین می ـ افتاد با زهرمها جمعی که از راه می رسید، با میله و بیل و... یک ضربه به وی وارد می ـ کرد. بسیار دیده میشد در حالیکه چند نفر یک دانشجوی زخمی و در حال اغما را بطرف آمبو ـ لانس می بردند، عناصر مهاجم به وی حمله کرده و باز او را مضروب میکردند. از آنجا که آمبولانس به اندازه کافی در دسترس نبود، در اوایل درگیری چندین زخمی را روی هم در آمبولانس قرار می دادند و حتی در قسمت جلو آن نیز زخمی ها را جا می دادند. مهاجمین درب اطاقهای استادان را بزور باز کرده و وارد می شدند و هرکه را می یافتند می زدند. عده ـ ای از دانشجویان موفق به فرار شده و عده ای دیگر دستگیر شدند. زخمی ها نیز در حالیکه تا خروج آمبولانس از محوطه دانشگاه همچنان مورد حمله قرار می گرفتند به بیمارستان منتقل می شدند. عده‌ای از مهاجمین دستگیر شدگان را در دفترهای چندین نفری بطرف زندان موقت دانشگاه که در دو پاسه نقطه قرار داشت می بردند. در بین راه با زعنا صری مزدور با میله‌های آهنی و کارد و... به دستگیرشدگان حمله کرده و عده‌ای از آنها را زخمی و روانه بیمارستان نمودند. اما تروریست های پنهان شده در میان جمعیت چه می کردند؟ از همان ابتدای حمله مهاجمین به دانشجویان، پاسداران مسلح و عوامل ارتجاع محلی مطابق نقشه قبلی در صدد ترور افراد مترقی و انقلابی شناخته شده از میان دانشجویان و استادان دانشگاه بودند از نظر آنها چه زمانی بهتر از وضع آشفته‌ای که پیش آمده بود؟ از این رو بمحض اینکه حمله شروع شد، تروریست ها از میان جمعیت دانشجویان و کسانی را که از قبل شناسائی کرده بودند از فاصله نزدیک مورد اصابت گلوله قرار دادند. آنها همچنین بسراغ استادان انقلابی و مترقی رفته و افراد مورد نظرشان را از فاصله نزدیک ترور کردند و آنگاه پس از انجام ماموریت ضد انقلابی خود فاتحانه اسلحه را در زیر پیراهن و کتهای خود پنهان نمودند. در نتیجه این ترورها، رفیق صادق نظیری (عضو پیشگام مزاهدان) به شهادت رسید و چندین استاد و دانشجوی دیگر زخمی شدند. عوامل ارتجاع در هجوم خود به دانشگاه سیستان و بلوچستان برای سرکوب انقلابیون دو طرح داشتند، یکی ترور آنها در بلوائی که ایجاد می کردند و دیگری دستگیری آنان. دستگیری عده زیادی از دانشجویان و استادان انقلابی و مترقی در همین رابطه انجام گرفت.

ارتجاع پس از ارتکاب جنایات مذکور کوشیدند با تبلیغات خود علیه نیروهای انقلابی، حقایق را وارونه جلوه دهد. مثلا در اخبار ساعت ۶ بعد از ظهر رادیو زاهدان از قول استاندار اعلام شد که دو طرف با اسلحه سرد و گرم بیکدیگر حمله کردند. همچنین در اطلاعیه دادستان انقلاب (ولی الله کشفی) که در حمله به دانشگاه خود پیشاپیش جمعیت مهاجم حرکت می کرد، آمده بود که "... عده‌ای از افراد که حاضر به تحویل بیت المال مردم... نشده، اقدام به مخالفت با خواسته مردم و ایجاد درگیری و تیراندازی در محیط دانشگاه نمودند ...".

دریابان این گزارش برای روشن تر شدن عمق جنایات عوامل ارتجاع و اوباشان حزب جمهوری اسلامی به بعضی از صحنه های وحشتناک درگیری اشاره می کنیم.

* وقتی یکی از دانشجویان زخمی و خون آلود بزمین افتاده بود، فالانژها و چماقداران دورش را گرفته و در همان حال او را

بقیه در صفحه ۶

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

به عنوان اعتراض به اخراج نمایندگانشان

کارکنان مبارز پالایشگاه آبادان راهپیمایی کردند

کارگران و کارکنان مبارز صنعت نفت که اعتصابات گسترده آنها در سال ۵۷ ضربه کاری بر پیکر رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن وارد آورد، مدتها ست که از طرف افرادی مانند معین فر، که در اثر خوش خدمتی از دست شاه مزدور، قطعه نشان درجه پنجم تاج دریافت کرده است، با اتهامات واهی "اخلالگر"، "ضد انقلابی" و ... تهدید به اخراج میشوند.

بدنبال اعتراض سه نفر از نمایندگان شوراهای کارگران صنعت نفت آبادان به شرایط موجود پالایشگاه مانند: حاکمیت استبداد مدیریت و وجود مقررات وضوابط آمریکائی، پاکسازی نشدن پالایشگاه از عناصر وابسته به رژیم شاه و ... و بعلت حمایت آنها از شورا، معین فرطی بخشنامه ای این سه نفر را از تاریخ ۵۸/۱۲/۲۷ بعنوان اخلالگر اخراج می نماید.

در پی اخراج این نمایندگان در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۸ یک راهپیمائی اعتراضی با شرکت بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران و کارمندان مبارز صنعت نفت و کارگران سندیکای پروژه‌ای برگزار شد. (این راهپیمائی از منطقه بزرگان شروع شد و در استادیوم پایان گرفت). کارگران و کارکنان مبارز صنعت نفت در طول راهپیمائی خشم و نفرت خود را نسبت به اخراج نمایندگانشان با شعارهائی چون: بخشنامه کذائی ملغی باید گردد، وزیر مدشورا اعدام باید گردد، عمال آمریکائی در پیشگاه ملت، افشاء باید گردند و ... ابراز داشتند. در پایان راهپیمائی یکی از کارگران سیاستهای خائنانه نزیه و معین فر را افشاء کرده و از موجودیت شوراها پشتیبانی نمود. آنگاه قطعنامه ای قرائت شد که در آن کارکنان ضمن بی اعتبار دانستن بخشنامه معین فر، برکناری وی را از وزارت نفت خواستار شدند.

در تاریخ ۵۹/۱/۱۲ سه نفر نماینده اخراجی به نمایهای شورائی، جعفری و حاج شکاری توسط قدوسی دادستان کل انقلاب به تهران احضار میشوند. نمایندگان مذکور در تهران فرصتی می یابند تا بمدت نیم ساعت با بنی صدر ملاقات و گفتگو کنند. آنها ضمن این ملاقات درباره عملکردهای ارتجاعی معین فر صحبت کرده و خواستار مناظره تلویزیونی با وی میشوند. بنی صدر بظاهر میپذیرد و مسئله اخراج بنوعی به تعویق می افتد. اما پس از بازگشت نمایندگان به آبادان، حکم اخراج آنها عملا به اجراء گذاشته میشود. چند روز بعد مجدداً این نمایندگان توسط دادستان کل به تهران احضار شده و پس از یک بازجوئی کوتاه به زندان اوین فرستاده میشوند. جالب اینجاست که یکی از نمایندگان عضو انجمن اسلامی صنعت نفت که همراه این سه نفر بوده نیز دستگیر و زندانی میگردد. پس از این واقعه همراهان نمایندگان سعی می‌کنند با بنی صدر ملاقات نمایند. اما وی حاضر به پذیرفتن آنها نشده و به این ترتیب یکبار دیگر همکاریش را در سرکوب کارگران و زحمتکشان مبارز در عمل نشان می دهد.

در تاریخ ۵۹/۱/۲۶ بدعوت شوراهای کارگری و بمنظور تصمیم‌گیری درباره نمایندگان زندانی، مجمعی تشکیل گردید که در آن بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان صنعت نفت شرکت کردند.

در این گردهمائی ابتدا یکی از نمایندگان کارگران صحبت کرد. وی ضمن سخنانش گفت: "زمانیکه معین فر تحت فشار کارکنان مبارز صنعت نفت ۱۰۳ نفر را واکی را طی بخشنامه ای از کار معلق کرد، در همان بخشنامه قید نمود که اینها متهم هستند ولی تا جرمشان ثابت نشده کسی حق بی حرمتی به آنها را ندارد. ولی همین آقا در بخشنامه اش نمایندگان ما را اخلالگر معرفی کرده و بدون اثبات جرم به زندان می اندازد ...".

در این اجتماع یکی دیگر از نمایندگان کارگران پس از تشریح چگونگی دستگیری و زندانی کردن چهار نفر از کارکنان گفت: پس از دستگیری همکاران ما سعی کردیم با آقای بنی صدر ملاقات کنیم ولی ایشان ما را نپذیرفتند. مگر ما همان کارکنان اعتصابی صنعت نفت نیستیم؟ پس چگونه است که امروز اخلالگر معرفی میشویم؟ پس از بیان سخنان این کارگر، یکی دیگر از نمایندگان درباره کمیسیون پاکسازی که توسط معین فر تشکیل شده صحبت کرد و گفت: کار این کمیسیون در حقیقت جلوگیری از پاکسازی بمعنی واقعی آنست. مهمترین کار این کمیسیون این بوده که در ابتدای کار اسامی ۱۰۳ نفر از واکی‌های پالایشگاه را منتشر نمود و آنها را از کار معلق کرد. اما بعداً سه نفر از آنها را مجدداً به کار گماشت و بقیه را نیز بتدریج سر کار برمی‌گرداند! ...

در پایان این گردهمائی قطعنامه ۹ ماده‌ای قرائت شد که قسمتهائی از آنرا در زیر ملاحظه می کنید:

۱ - ما هر حرکتی را که موجبات تضعیف تشکیلات شورای ما را فراهم میآورد محکوم می کنیم.

۲ - ما خواهان آزادی بدون قید و شرط دربندشدگان هستیم.

۳ - ما خواستار برکناری معین فر میباشیم،

۴ - ما خواستار مناظره تلویزیونی با شخص معین فر هستیم.

.....

پس از قرائت قطعنامه کارکنان مبارز صنعت نفت با شعارهائی چون مرگ بر معین فر کارگر زندانی آزاد باید گردد، وزیر مدشورا اعدام باید گردد، سرکوبی شوراها، توطئه آمریکاست، اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار و ... شروع به راهپیمائی کرده و بسوی مرکز شهر راه افتادند. راهپیمایان در مسیر خود یکبار نشستند و یکی از نمایندگان علت و

بقیه در صفحه ۱۵

گرامی باد خاطرهٔ کارگران شهید جهان چیت

در هشتم اردیبهشت ماه سال ۵۰ رژیم شاه جنایتکار دست بیکی دیگر از جنایتهای همیشگی خود زد. مزدوران چکمه پوش شاه با سلسلهای آمریکائی و اسرائیلی، سینه دهها کارگر حق‌طلب جهان چیت را شکافتند. بدین ترتیب کارگرانیکه از محل کار خانه بطور آرام بسمت تهران راه افتاده بودند، تا بخشی از حقوق عادلانه خود را دریافت دارند، در محل کار، واسرا سنگی بخاک وخون درغلطیدند.

در آن سالهای سیاه، شاه خائن حتی از اعلام اسامی شهدای این حادثه و تعداد آنان نیز خودداری کرد. این عمل جنایتکارانه رژیم قلب همه انقلابیون و آزادیخواهان را تکان داد، وخشم کارگران وفرزندان انقلابی خلق را برانگیخت. طبقه کارگر ایران بچشم خود دید که در آن روزهای سیاه چه کسانی با ننگ اعتراض به این عمل وحشیانه شاه برداشتند وچه کسانی سردرگریبان تسلیم‌طلبی، درمورد این جنایت سکوت کردند. کارگران دیدند که تنها انقلابیون جان برکف وروشنفکران مبارز این عمل خائنانه را محکوم کردند و فرزندان انقلابی خلق با اعمال قهر خود برعلیه دشمنان کارگران همدردی خود را با آنها نشان دادند، درحالیکه بسیاری ارکسانی که امروز انقلابی نمائی می کنند وخود را به راس قدرت کشانده اند حرکت اعتراضی نداشتند.

حادثه جهان چیت وحوادث نظیر آن درس بزرگی برای کارگران وتمام زحمتکشان ما دربرداشت. این جنایات نشان می دادکه کارگران حتی برای گرفتن بخشی از حقوق اولیه خود، وداشتن حق اعتراض وخلاصه حداقل حقوق صنفی وسیاسی راهی جز انهدام بساط این رژیم ندارند. اگر کارگران حتی حق اعتراض نداشتند، اگر از اعلام انهدام شهدای آنان خودداری می شد، به این خاطر بود که رژیم پهلوی دشمن تمام طبقات خلق بود و در مورد طبقات دیگر ونیروهای انقلابی دیگر نیز چنین میکرد. بنابراین طبقه کارگر برای رسیدن به درخواستهای عادلانه خود با تمام طبقاتی که مورد ستم بودند، در راه انهدام رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه متحد بود.

ثمره مبارزه متحدانه خلق علیه رژیم شاه خائن قیام بهمن ماه بود. امید بسیاری از کارگران که در قیام شرکت کرده بودند این بود که دیگر حوادثی نظیر جهان چیت تکرار نگردد. اما واقعیت ها جز این بود. از آنجا که قدرت نه در دست کارگران وزحمتکشان بلکه در دست سرمایه داران وزمینداران وتجار ونمایندگان آنها بود، بار زهم کارگران در جواب درخواستهایشان با مقاومت وسرکوب روبرو شدند، پس از قیام مدرکنا رموفقیت هائی که کارگران در مبارزه علیه سرمایه داران و دولت بدست آورده اند، نظیر بوجود آوردن برخی شوراهای واقعی و ... شهدائی نیز داده اند. بسیار بودند کارگرانی که در اصفهان ودرود وقزوین و ... با گلوله های پاسداران ویا با تروریستهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیده اند و امروز ارتجاع حاکم بیش از هرزمان دیگر علیه کارگران توطئه می کند، آنها را بجرم تقاضای کار در درودیه اعدام محکوم می نماید وعناصر بیشرو کارگری را زندانی می کند. توطئه هائی که سورزوازی حاکم کنونی علیه کارگران اعمال می کند از نظر کارگران آگاه امری بسیار طبیعی است، چرا که خصلت بورژوازی عداوت ودشمنی با طبقه کارگر وزحمتکشان است وطبقه کارگر تا زمانی که در زیر حکومت بورژوازی بسر می برد ستم وبا زهم ستم میبیند. اما زمانی که با اتحاد و یگانگی خود وبهمراه دیگر زحمتکشان بیستم سرمایه داری ودر میهن ما بیستم سرمایه داری، وابسته را خرد و نابود می کند و آنگاه که با یه های جامعه سوسیالیستی را پی می ریزد، دیگر هیچ کارگری با گلوله سرمایه دار و دولت سرمایه دار نخواهد مرد و دیگر هیچ کارگری در زندان سرمایه دار و دولت اسیر نخواهد گشت چرا که سرمایه داری وجود ندارد ... ! به امید آن روز !

زنان کارگر درمقابل کار مساوی با مردان دستمزد مساوی می خواهند. این یکی از خواستهای زنان کارگر در راهپیمائی بزرگ اول ماه سال گذشته بود.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

گرامی باد یاد پیشمرگه قهرمان، رفیق عبدالکریم شربتی

درسردی که روز جمعه ۵۹/۲/۵ سن پیش‌مرگه‌های دلیروار سنان درکرفت ،یکی از پیشمرگه‌های رزمنده وقهرمان "سنگر" ستام "عبدالکریم شربتی" به شهادت رسید . رفیق "عبدالکریم" کارمند محاسبات ، اهل "بانه" ویکی از پیشمرگه‌های فعال وپرشور سازمان ما بود که در راه رهائی زحمتکشان جان خود را تقدیم انقلاب خونین خلقهای قهرمان ایران نمود. یادش را با عزمی استوار برای ادامه راهش گرامی می داریم .

اخباری از کردستان قهرمان

سنندج ۵۹/۲/۱

انفجار در داخل پادگان

دوشنبه شب (۵۹/۲/۱) در داخل پادگان سنندج انفجار اتی رخ داد که مسئولیت آنرا "هسته آرمان ارتش خلق" بعهده گرفت .طی این انفجارها خمپاره‌ای به ارتش ضدخلقی و پادگان وارد آمد .نیروهای درون پادگان روحیه خود را از دست داده وموج تازه‌ای از اعتراض شدیدا بالا گرفته است .

همکاری مردم با پیشمرگه‌ها در دستگیری جاشها

همکاری مردم با رزکردستان وبنکه‌ها پیشمرگه‌ها وسازمانهای سیاسی تحسین انگیز است .آنها با یاری همدیگر و همکوشی توطئه‌های جاشها وخائنین به خلق کرد را در نطفه خفه می کنند .

روز (۵۹/۱/۳۱) پیشمرگه‌های قهرمان با یاری بنکه "نوروز خونین" موفق شدند یکی از جاشها را دستگیر نمایند .از منزل این مزدور دو قبضه کلت بدست آمد که در اختیار بنکه مذکور قرار گرفت وخودش تحویل پیشمرگه‌های کومه‌له گردید .همچنین بنکه "آکاز مان" جاش دیگری را دستگیر نمود وبه پیشمرگان پیکار تحویل داد .در محله سیوآبا دنیز جاش دیگری دستگیر وبه پیشمرگان حزب دمکرات تحویل داده شد .

پرواز فانتومها بر فراز شهر

همچنین از ساعات اولیه روز ۱۳۵۹/۲/۲ هلیکوپترها وفانتومها با فاصله خیلی کم از بالای شهر پرواز میکردند تا با این مانور محیط رعب ووحشت ایجاد کنند از طرفی نیروهای ضدخلقی درون پادگان محلات زحمتکشان را با توپ وخمپاره مورد هجوم قرار دادند که با اصابت دو خمپاره به قصابخانه وپنج خمپاره به شریف آباد جدیدتن از مردم زحمتکش آنجا شهید وعده زیادی مجروح شدند .اما می عده‌ای از شهدای دیروز سنندج بدین شرح است : سعید ملازاده (بوسیله خمپاره)- احمد سلیمی (بوسیله خمپاره)- عطاءالله نادری - عبدالله باباشی - حشمت جلالی - یاردلان - محمدحسین محمدی - محمود رحیمی که دو شهید اخیر از کارگران دیواندره بودند .

(منقل از "اخبار جنبش مقاومت" شماره ۵) حوزه سنندج سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر- ۵۹/۲/۲

سنندج ۵۹/۲/۳

هواپیماها وهلی کوپترها شهر را زیر آتش گرفته‌اند

[illegible] کوه "آبدار" را با راکت مورد [illegible] دند .در همین حال هلی کوپترها [illegible] با مسلسل های کالیبر ۵۰ و ۷۵ هر چند [illegible] را در شهر هدف قرار میدادند .لکن مردم مبارز کرد و پیشمرگان دلاور کردستان ،همچنان با روحیه‌ای عالی ارتش را راحت نمی گذارند .

ساعت ۵ و ۵۵ دقیقه بعد از ظهر یک هلی‌کوپتر کبری که مردم را به گلوله بسته بود با تلیک پیشمرگان سازمان پیکار در پشت محله شیخ محمد با فرسقوط کرد .

حمله ارتش

ارتش در چند نقطه شهر به حمله دست زد . اولین بیک ،کرده قاروال ،قطار چیان از جمله نقاطی بود که با خمپاره مورد تهاجم قرار گرفت .در محله حاجی آباد که ارتش اندکی پیشروی کرده بود ،با جانبازی پیشمرگان رزمنده به عقب نشینی مجبور شدند تا به محله حاجی آباد حدود ۱۵۰ خمپاره اصابت کرده است مردم محلات مزبور خانه‌های خود را ترک کرده‌اند .تعدادی زن وبچه در این حمله ارتش شهید شده‌اند .

سنندج ۵۹/۲/۶

■ برخلاف ادعای بلندگوهای تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی شهر سنندج همچنان در دست مردم دلیر وپیشمرگان رزمنده خلق کرد است .تنها مراکز ارادیو تلویزیون ،استانداری مخابرات وپادگان در اشغال پاسداران و ارتش ضدخلقی می باشد .

■ مراکز تحت اشغال ارتش وسپاه پاسداران از جمله پادگان سنندج در محاصره کامل پیشمرگان مسلح سنندج قرار دارد .

■ ۲۸۰ نفر از نظامیان انقلابی که از ارتش فرار کرده‌اند هم اکنون در منطقه "علوات آباد" به سر می برند وخواهان پیوستن به مردم سنندج می باشند ،زیرا هر لحظه خطر اعدام دسته جمعی آنها توسط پاسداران وفرماندهان مزدور ارتش وجود دارد .

■ طی درگیریهائی که روز شنبه (۵۹/۲/۶) بین پیشمرگان دلیر وارتش وپاسداران در سنندج روی داد ،تعداد زیادی از نظامیان وپاسداران کشته وزخمی شدند .

■ یک تانک ، یک زره پوش ویک آمبولانس ارتشی که در پاشگاه افسران سنندج مستقر بودند به پادگان برگشتند .

■ درگیریهای چند روز گذشته در شهر سنندج منجر به شهادت ۶۶ نفر وتعداد ۳۳۰ نفر زخمی گردیده است .

آخرین خبر از سنندج (یکشنبه ۵۹/۲/۷)

ساعت ۱½ صبح ارتش بدلیل تضعیف شدید اعلام آتش بس نموده وپرچم های سفید در پادگان بالا رفته است .ارتش دفتر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در سنندج را (دیروز) بمباران کرده است که در این اقدام خوشبختانه تلفاتی به رفقا نرسیده است .

خبرهای رسیده حاکیست اغلب پیشمرگه‌هائی که در درگیری پاشگاه افسران شرکت داشته‌اند ،با گلوله‌های مزدوران ارتش به شهادت رسیده‌اند .

گزارشی از تهاجم ارتش و پاسداران به سقز

سحرگاه روز جمعه ۵۹/۱/۲۹ ساعت چهار با امداد ارتش ضدخلقی وپاسداران ارتجاع پاسقاده از پاریکی سقز از شهر بیرون رفته و در جاده سنندج - سقز در روی تپه‌ای که بین محله فقیرنشین حمال آباد وقرچی آباد قرار دارد (پارک جنگلی) مستقر شدند عده دیگری از آنها از روی پل داخل شهر آمده ودر ساختمان مایکروویو مهمانسرا سنگر گرفتند .از همان ساعات اولیه امداد شهر بوسیله ارتش ضد خلقی وباحمایت هلیکوپترهای کبری از هوا مورد تیراندازی قرار گرفت .مردم از پیر و جوان وزن ومرد با شنیدن صدای تیراندازی از خانه‌ها بیرون رده وبعد از آگاه شدن از جریان با روحیه عالی شروع به ساختن سنگر در تمام شهر کردند .در عرض مدت دو ساعت تمام کوچه‌های شهر سنگربندی شد .دفاع ومقاومت شروع شد .درگیری اوج میگرفت وتیراندازی از دو طرف شروع شده بود .در همان ساعات اولیه درگیری یکی از پیشمرگان کومه‌له به اسم علی تنگری به شهادت رسید ودر ضمن یکی از پیشمرگان حزب دموکرات بنام ابوبکر نیز شهید می شود .همکاری مردم مخصوصاً بچه‌ها واقعاً چشمگیر وقابل ستایش بود که با استفاده از بنزین ونفت سیاه کوکتل مولوتف درست می کردند .زنان پیری را می دیدی که چند تان وروغن حیوانی در دست گرفته وبه سنگر پیشمرگان می بردند .همه اهالی شهر در جنگ تا برابر وتحمیلی با تمام نیرو شرکت میکردند. ارتش ضدخلقی وپاسداران ارتجاع از سلاح‌های سنگین مانند توپ وخمپاره استفاده می‌کردند که باعث ویرانی دهها خانه گردید . هفت نفر از مردم بیگناه شهر کشته شدند که دو نفر از آنها دختربچه‌های چهار ساله به نامهای زینب ولیلی بودند .تعداد زخمی ها به دهها نفر رسید وتنها بیمارستان شهر در اختیار ارتش وپاسداران بود .آنان حتی یک دختر چهارده ساله را به اسم فرانک عباسی که تیر خورده و زخمی شده بود موقع رسیدن به بیمارستان توسط ارتشیان ضدخلقی وبا تیراندازی آنها به شهادت رسید .بر طبق اخبار رسیده که بوسیله بلندگو برای اطلاع مردم پخش میشد یکی از تانکها ودو فروند از هلیکوپترهای ارتش جمهوری اسلامی (آمریکائی) بشدت آسیب دیدند .تعداد زخمی ها نفر از جاشها که از پشت بام‌ها به مردم تیراندازی میکردند توسط پیشمرگان دستگیر شدند .دکان وبازار تعطیل شده بود وما بحتاج مردم از دهات اطراف سقز یا از شهر بوکان تامین میشد وبه این ترتیب جنگ توده‌ای شده بود چرا که همه مردم در آن شرکت داشتند .

روز دوشنبه ۵۹/۱/۳۰ :

ارتش با هلیکوپتر به سوی مردم تیراندازی می کند .

جنگ تا برابر همچنان ادامه دارد . مقاومت بیشتر می شود .ارتباط بین حمال - آباد وقرچی آباد با داخل شهر قطع شده است . آب وبرق شهر از روز اول درگیری قطع شده .

بقیه در صفحه ۱۴

ویرانی ،کشتار ،جنایت بدستور سران انقلاب ودولت سنی مذهب وبدست فرماندهان جاسوس و سپاه پاسداران علیه خلق کرد . (عکسهائی از شهر قهرمان در روزهای اخیر) .

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

روش کمونیستها نسبت به جنبش دهقانی-۲

۲-سیاست ارضی

در برنامه حداقل سازمان ما آمده است که ما خواهان "مصادره اراضی، باغها، شهرها، قنوات و چاههای آب متعلق به زمینداران و مالکین بزرگ و واگذاری آنها به شوراهای انقلابی دهقانان" (۱) هستیم. همانطور که ملاحظه میشود در برنامه حداقل سازمان ما به هیچوجه از این مسئله صحبت نمیشود که این اراضی مصادره شده به چه کسی داده خواهد شد. آیا زمین میان دهقانان تقسیم خواهد شد؟ آیا زمین به مالکیت شوراهای دهقانی در خواهد آمد؟! آیا بمالکیت دولت درخواهد آمد و فقط اداره آن بدست دهقانان یا شوراها خواهد بود؟ بهیچوجه. در باره این موضوع صحبتی نمی شود. دلیل آن این است که مارکسیست - لنینیست ها از روح دمکراتیک جنبش دهقانی در مقابل زمینداران دفاع می کنند نه اینکه بطور کلی از هر خواسته دهقانان که مسلما روح خرده بورژوازی را در خود دارد، زیر ام.ل ها هیچگاه تمایلات خرده بورژوازی را در یک قشر یا طبقه ترغیب و تشویق نمی کنند بلکه برعکس علیه هر نوع گرایش این چنینی مبارزه خواهند کرد (و هم اکنون نیز می کنند). ما از هم اکنون نمی توانیم آزادی عمل خود را درباره اینکه پس از مصادره اراضی و سرنگون کردن حاکمیت از دست داده و از حالا به دهقانان بگوئیم که زمین را بین شان تقسیم خواهیم کرد:

"در حقیقت هم بر خلاف سوسیال - رولوسیونرهای خرده بورژوا، موضوعیکه اکنون برای ما حائز اهمیت است جنبه انقلابی دمکراتیک قیامهای دهقانان و سازمان های پرولتاریای روستا بصورت حزب [illegible] در آگاهی دهقانان ملزوم درهم شکستن انقلابی نظم کهن و عمل نمودن آن است به تنظیم طرحهای خیالی درباره "تحدید تقسیم بندی زمین" یا ملی کردن اراضی بهمین جهت است که سوسیال رولوسیونرها روی "اجتماعی کردن" زمینها اصرار می ورزند ولی ما روی کمیته های انقلابی دهقانان، ما میگوئیم: بدون وجود این کمیته ها هرگونه اطلاعاتی در حکم هیچ است. با وجود این کمیته ها و با اتکاء به آنها پیروزی قیام دهقانان امکان - پذیر است". (و. ای. لنین - روش سوسیال دمکراسی نسبت به جنبش دهقانان)

و نیز:

"یکی از انگیزه های این مبارزه به احتمال زیاد ممکن است این موضوع باشد که زمینهای غصب شده به کی و بچه واگذار شود؟ و نده مالیاتی و "اجتماعی کردن" و غیره نمی دهیم، بلکه میگوئیم آنجا ما از هم مبارزه خواهیم کرد. مجددا مبارزه خواهیم کرد. در مرحله جدید و به اتفاق متفقین دیگری مبارزه خواهیم کرد. آنجا ما بدون یک ائتلاف پرولتاریای روستا و سایر شعبه کارگر بر ضد بورژوازی دهقانی مبارزه خواهیم کرد در عمل این موضوع هم بصورت انتقال زمین بدست طبقه دهقانان خرده مالک باشد، در جاهائیکه مالکیت بزرگ اشرافیت آمیز سروازی حکمفرما است و هنوز شرایط مادی تولید بزرگ سوسیالیستی موجود نیست - و هم بصورت ملی کردن - در صورت پیروزی کامل انقلاب دمکراتیک هم بصورت انتقال املاک بزرگ سرمایه داران به جمعیت های کارگران. زیرا این از انجام انقلاب دمکراتیک ملاطه و درست بمیزان نیروی خود که نیروی پرولتاریای آگاه و متشکل باشد، انقلاب سوسیالیستی را آغاز خواهیم کرد... ما امتداد تا آخرین لحظه وسایل و مسائل با ضد اراضی - از دهقانان بطور کلی و در مقابل ملاکان بشیشایی میکنیم ولی بعد (وحتی بعد هم نه، بلکه در همین حال) اگر پرولتاریا در مقابل دهقانان بطور کلی پشتیبانی خواهیم نمود." (همان)

اکنون با توجه به کلیه مسائل فوق می - توانیم رفرم ارضی هیئت حاکمه و برخورد نیرو - های سیاسی را مورد بررسی قرار دهیم. ما در "پیکار" شماره های ۲۷ و ۲۸ مواضع خود را در برابر این رفرم توضیح داده ایم. در آنجا ما مطرح کردیم که اولا رفرم ارضی هیئت حاکمه آلترناتیوی (حق دیگر) است از طرف هیئت حاکمه در برابر طرحی قرار داده دهقانی تا بنا این رفرم می خواهد (بر اساس آنچه که در لایحه آمده است نه بر اساس آنچه که در واقعیت اتفاق خواهد افتاد) به مسئله ارضی به شیوه بوروکراتیک و بدست دولت ضد خلقی برخورد نماید و تا لنا رژیم میخواهد از طریق سرکوب شوراهای دهقانان این رفرم را به اجرا گذارد که نمونه های آنرا در ترکمن صحرا و کردستان دیده ایم. طبیعی است که با توجه به ماهیت هیئت حاکمه و بوروکراسی فاسد بجا مانده از رژیم شاه و بی توجه به مضمون انقلابی طرح "مصادره اراضی زمینداران بزرگ و سرمایه داران ارضی و سپردن آن به شوراهای دهقانان" این رفرم بهیچ روی نمی - تواند مورد تائید و پشتیبانی نیروهای انقلابی قرار گرفته بلکه با بی میلی ماهیت ضد - انقلابی آن بیش از پیش در برابر دهقانان مورد افشاگری قرار گیرد. هر گونه اعتقاد به رفرم های هیئت حاکمه، به معنی آن است که از شوراهای دهقانی و نیروهای دهقانان بخواهیم که دست از مصادره اراضی بردارند و در انتظار رفرم هیئت حاکمه باشند و این امر در تضاد با ماهیت انقلاب و تثبیت جبهه ضد انقلاب است:

"بر خلاف تبلیغات بورژوا - لیبرالی ما هرگز بوروکراتیک نه پیشنهادی از این - آنها و شورای نمایندگان کارگران و سربازان که به دهقانان توصیه میکنند که املاک ارباب را ضبط نکنند و پیش از مراجعه به مجلس موسسان دست به اطلاعات ارضی نزنند، حزب پرولتاریا را باید از دهقانان دعوت نماید به بیدرنگ و به اتکاء خود اطلاعات ارضی را عمل کنند و تقسیم نمایند - کان دهقانان در محلهای خود بیدرنگ به ضبط املاک ارباب بپردازند (لنین برنامه ارضی، برنامه ملی)

"دهقانان باید بتوصیه سرمایه داران و ملاکین و دولت موقت آنان راضی شوند اینکه برای اداره موری امور زمین ها یا ملاکین سازش بعمل آید در کمیته اداره امور کلیه زمینها باید بوسیله تصمیم مشکل اکثریت دهقانان محل انجام گیرد و به وسیله سازش اکثریت یعنی دهقانان با اقلیت و اینهم اقلیتی با چیزی ملاکین."

(لنین، نخستین کنفرانس کشوری نمایندگان دهقانان روسیه)

پس معلوم میشود که کمونیستها نباید از رفرم هائی که بدست بورژوازی انجام میگیرد پشتیبانی کنند. حال با توجه به مسائل فوق - الذکر بمواضع راست رویانه برخی از نیروها در رابطه با رفرم ارضی نظری می افکنیم:

فدائیان خلق از موضعی راست رویانه مطرح می کنند "تدبیر مال یکسال بیکار شوراهای دهقانان بالاخره اطلاعات ارضی را بخواست کدبست" بر واضح است که فدائیان به خواست این لایحه نه بدیده مثبت نگریسته و در حد سطح بدبطور انکار میگویند "اینکه که بیش از یکسال از قیام خلق میگذرد بر ما مه ارضی پیشنهادی رضا اصفهانی که در صورت اجرا به سود دهقانان است از طرف دولت تصویب شده است". در اینجا دیگر صحبت فدائیان فقط دفاع از "بخش مترقی" هیئت حاکمه نیست بلکه دفاع از کل هیئت حاکمه است زیرا اصلا سر ما شرح دادیم که آنچه که تصویب شده است طرح رضا اصفهانی نیست (۲) بلکه مخلوطی است از "قانون زمینداری" دولت بازرگان و طرح رضا اصفهانی و این آن چیزی است که فدائیان آنرا شیروزی بروک جلن بحساب می آورند. حتی سخنرانی اکثریت رضا اصفهانی هم مورد تصویب قرار میگرفت در اینصورت هم به سیاهای هیئت حاکمه بسیاسی آن نمی - شود بلکه بمعکس باسیاسی مورد افشاگری قرار میگرفت زیرا رضا اصفهانی هم اجرای این رفرم ارضی را بدست دولت و در چارچوب همان بوروکراسی فاسد بیشنهاد کرده بود و جمعه ضد انقلابی آن از همین جا سرچشمه میگیرد. رضا اصفهانی هم کما که در میان دهقانان بخراسان گرد آنها را به "صبر" انقلابی دعوت نمود. از آنان خواست که دست از مصادره زمینها بردارند و منتظر اجرای اصلاحات ارضی از طرف رژیم باشند.

(۲) - در لایحه تصویب شده اولا واگذاری زمین به زمینداران که در مصادره شده است بحث میشود و تنها اینکه گفته می شود این لایحه لایحه تکمیل و اصلاحی "قانون زمینداری..." دولت بازرگان میباشد که "قانون زمینداری" دولت بازرگان را نیز در همان شماره پیکار تشریح کرده و مواضع ضد دهقانی آنرا برشمردیم.

فدائیان سعی میکنند تا "اسکار انقلابی شوراهای دهقانی در مصادره اراضی زمینداران حمایت کنند و هم در عین حال "اجرای اراضی هیئت حاکمه ای که تمام کوشش خود را با بودی و سرکوبی این شوراها قرار داده است، پشتیبانی نمایند. اینها یکدیگر را میشناسند و یکی با نیشی به نعل دیگری کار را نشانه بود و بی دلیل نیست که مشی فدائیان که این چنین از رفرمهای هیئت حاکمه دفاع میکند، در دفاع از شوراهای ترکمن صحرا سستی بخرج می دهد. (۳)

موضع انحرافی دیگر در برابر هیئت حاکمه موضع اتحاد به کمونیست های ایران است. "اتحاد به" در مقالات متعددی گوشزد به سیاستهای ارضی حمایتهای هیئت حاکمه نمیتوانند به یک کل برخورد نمی کند و سیاستهای حمایتهای "مخالف رفرم و حمایتهای "طرفدار رفرم" را از یکدیگر جدا میکند. اما از موضع راست به دفاع از نظریات رضا اصفهانی می - پردازد و حتی در این زمینه آنقدر جلو میرود که سیاست رضا اصفهانی را "چپ روانه" ارزیابی میکند!! اتحاد به چنین مطرح میکند که نظریه رضا اصفهانی بر این مبنا که زمینهای مصادره شده بمالکیت دولت درآید یک نظریه "چپ روانه" بوده و بایستی زمین را به مالکیت دهقانان داد:

"اولین نکته در مورد مسئله مالکیت دهقانی بر زمین است. نسبت به طرح اصفهانی زمین مابین دهقانان بصورت مساوی تقسیم شده و مورد استفاده تعاونی آنها قرار میگیرد ولی بمالکیت دهقانان در نمی آید (چه مالکیت طبق نظر ایشان از آن خداست) ولی تمامی مبارزه طبقاتی در این انقلاب ما و سایر انقلابات بر سر مالکیت بر ابزار تولید است و از اینجا بر سر مالکیت [illegible] و مالکیت عمومی دهقانان. بهمین دلیل در این شرایط شعار انقلاب و وحدت آنان بوده و بجا و زوانه است. بدینجهت است که شعار چپ روانه بوده و با شرایط انقلاب ما و همچنین آگاهی و تعهد دهقانان در این شرایط مطابقت ندارد. مسلما خدا نیز با آن در این مرحله موافق نخواهد داشت! بدین - ترتیب می بایستی زمینهای مصادره شده از مالکیت فئودالها درآمده و به مالکیت دهقانان قرار گیرد" (حقیقت ۵۸ و تاکید و پرانتزها از نویسنده است).

در نظر از حمایتی که "حقیقت" از رضا اصفهانی بعمل می آورد، لب کلام آن این است که در حال حاضر بستن خرده مالکی، مالکیت دهقانی و تقسیم زمین میان دهقانان را تشویق و ترغیب کرده و آنرا شعار خود قرار دهیم. ما قبلا راجع به سیاست کمونیستها در برابر جنبش دهقانی اشاره کرده و گفتیم که کمونیستها از دهقانان (فقیر و میانه و مرفه) در مقابل زمینداران پشتیبانی می کنند نه اینکه از دهقانان بطور کلی. از لنین نیز نقل قول هائی آوردیم که مطرح می کرد ما هرکجا که تمایلات خرده بورژوائی و ارتجاعی دهقانان با مبارزه پرولتاریا در تضاد افتاد بایستی به مبارزه با آن برخیزیم و این تمایل همان جنبه تصاحب زمین توسط دهقانان است. این دید کاملا خرده بورژوائی است که از حالا ما مالکیت

بقیه در صفحه ۸

(۳) - ما در مورد تزلزل فدائیان در حمایت از سرکوب خلق ترکمن اطلاعات صحیحی در دست داریم.

(۱) - برنامه حداقل سازمان، بند ۱۵ پیکار ۴۲.

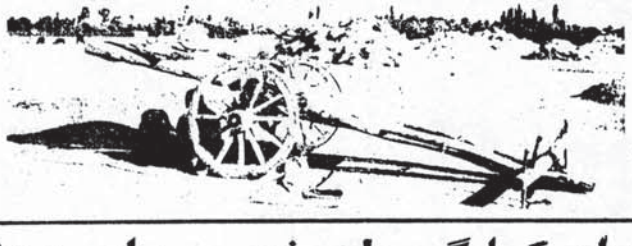

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

سالگرد پنجمین سالگرد پیروزی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم آمریکا

پیروزی شکوهمند خلق ویتنام بر امپریالیسم آمریکا

پرتوان، پرخروش، علیه امپریالیسم

"کوه‌های ما ن همیشه برپا خواهد بود، رودهایمان همیشه جاری خواهد بود، خلقمان همیشه باقی خواهد ماند. شکست از آن مهاجمان آمریکائی است، ما سرزمینمان را از نو دهها بار زیباتر بنا خواهیم کرد".

(هوشی مین)

خلق ویتنام از سالها پیش از سال ۱۹۴۵ علیه امپریالیسم ژاپن با آخرین در ۱۹ اوت ۱۹۴۵ به پیروزی دست یافت و شمال ویتنام را آزاد نمود. در دوم سپتامبر همین سال، رفیق هوشی‌مین در پایتخت جمهوری دموکراتیک ویتنام اعلامیه استقلال را قرائت کرد و پیروزی خلق دلاور را بگوش جهانیان رسانید. او در این اعلامیه تاریخی سوگند توده‌های میلیونی کشورش را چنین بیان کرد:

"کلیه مردم ویتنام مصمم هستند تمام نیروهای مادی، معنوی خود را تجهیز و تمام زندگی و دارائی خود را فرباتی کنند تا بتوانند از آزادی و استقلال خود دفاع نمایند"

امپریالیسم جهانی که از این پیروزی ضربه مهلکی خورده بود، برای دفاع از منافع غارتگرانه خود دست به اقدام دیگری می زند. در ۹ سپتامبر ۱۹۴۵ نیروهای اشغالگر انگلیس وفرانسه در جنوب ویتنام پیاده شدند امپریالیستها در پی آن بودند تا جمهوری انقلابی جدید را خفه کنند و از گسترش انقلاب در هندوچین جلوگیری نمایند. بهمین منظور در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۶ علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام یک جنگ تهاجمی را آغاز نمودند و در این هنگام امپریالیسم آمریکا نیز به یاری امپریالیستهای فرانسوی شتافت.

خلق ویتنام با اتکاء به نیروی خود به جنگ آزادیبخش ادامه دادند تا اینکه بالاخره در زیر ضربات مبارزات انقلابی خویش در ۷ مارس ۱۹۵۴ در "دین بین فو"، امپریالیسم فرانسه را شکست داد. سقوط "دین بین فو"، پس از ۹ سال مقاومت و مبارزه مردم ویتنام، پیروزی بزرگی بود.

تجاوز امپریالیسم آمریکا

در ۱۲ ژانویه ۱۹۵۰ امپریالیسم آمریکا ارتول وزیر امور خارجه خود "دین آچسن" اعلام نموده بود که هندوچین در زمره حوزه‌های دفاعی ایالات متحده در خاور دور می باشد. بر اساس این سیاست امپریالیستی، پس از سقوط فرانسه، آمریکا در پی ادامه تجاوز در ویتنام بود و سناریو این آمریکا تجاوز خود را گسترش بخشید.

مستشاران اشغالگران آمریکائی در ۱۹ دسامبر ۱۹۶۰ کمونیستهای ویتنامی "جبهه ملی آزادی بخش ویتنام جنوبی" را با متحد کردن احزاب دموکرات، رادیکال، سوسیالیست و دیگر انقلابیون خلق و حدود ۲۰ اتحادیه بوجود آوردند. این جبهه هدف خود را آزادی ویتنام قرار داد. و در راه تحقق این امر در ۱۵ مه ۱۹۶۱ "ارتش آزادیبخش ویتنام جنوبی" را تشکیل داد.

امپریالیسم برای سرکوب انقلاب تشدید بحران وسیع خود پرداخت. در ۸ فوریه ۱۹۶۲ پنتاگون ماموریت هدایت امور ویتنام جنوبی مستقل از ۱۲ ژنرال و افسر ستادی از سربازان نیروهای مسلح آمریکا در سایگون تشکیل شد. در ۱۲ روئیه ۱۹۶۵ آمریکا معاون نیروی هوائی ویتنام جنوبی "نگوین کائو کی" را به عنوان رئیس جمهوری دست نشانده منصوب کرد و اعتبارات جنگی در ویتنام را به مبلغ ۲۴ میلیارد دلار در ۱۹۶۶ تعیین نمود.

امپریالیسم آمریکا برای سرکوب انقلاب ماشین جنگی عظیم خود را بکار انداخته بود و تحت عنوان "دفاع از دموکراسی" به کشتار مردم قهرمان ویتنام پرداخته و مرتب تعداد نیروهای نظامی خود را افزایش می داد. بنحوی که از در سال ۱۹۶۵ تعداد سربازان و نظامیان آمریکا در ویتنام جنوبی ۱۸۴/۰۰۰ نفر بودند. این تعداد در ۱۹۶۸ به رقم ۵۴۲/۰۰۰ نفر رسید.

نیروهای انقلابی و میهن پرست تحت رهبری "جبهه ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی" به پیشروی خود ادامه می دادند. آنان اگرچه متحمل ضربات و کشتار سنگینی می شدند ولی در عین حال به امپریالیسم خونخوار آمریکا ضربات مرگباری فرود می آوردند و آمریکا را مجبور به عقب نشینی بیشتر می نمودند. در ۱۰ مه ۱۹۶۸ ویتنام انقلابی آمریکا را به پای میز مذاکره می کشاند و آمریکا را براساس قراردادی مجبور می سازد تا فقط در اراضی تحت اشغال خود حرکت نماید و در مناطق وسیعی در ویتنام جنوبی که تحت کنترل انقلابیون بود، آمد و رفت نماید. با یدگفت در اکتبر ۱۹۶۸ تقریبا ۸۰٪ اراضی ویتنام جنوبی در اختیار "جبهه ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی" بود. در ژوئن ۱۹۶۹ در مناطق آزاد شده ویتنام جنوبی "حکومت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی" تشکیل گردید. در سوم سپتامبر ۱۹۶۹ رفیق هوشی مین رهبر بزرگ خلق ویتنام درگذشت. این ضایعه بزرگی بود، ولی خلق ویتنام مصمم‌تر از گذشته در راه آزادی تمام سرزمین میهنش به مبارزه خود ادامه داد.

در سپتامبر ۱۹۶۹ امپریالیسم پانکی به عقب نشینی دیگری دست می زند. در این هنگام کنفرانس صلح پاریس با شرکت نمایندگان جمهوری دموکراتیک ویتنام، جبهه آزادیبخش و حکومت موقت انقلابی جمهوری ویتنام، امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده سایگون شروع بکار می کند. این کنفرانس در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ موفق به امضای قرارداد صلح می گردد. مفاد این قرارداد که پیروزی بزرگ دیگری علیه آمریکا بود عبارت بودند از: پایان دادن به جنگ و برقراری صلح، خروج ارتش آمریکا از سراسر ویتنام، عدم دخالت آمریکا در امور داخلی ویتنام جنوبی، احترام به حق حاکمیت، استقلال و وحدت ویتنام، برگزاری انتخابات آزاد در جنوب، آزاد ساختن تمام زندانیان سیاسی و اسرای جنگی.

روشن است که امپریالیسم آمریکا بر اثر شکست های متعدد نظامی و سیاسی بود که به امضای این قرارداد تن داد و هرگز نمی توانست تجاوز ماهیت تجاوزکارانه اش نمی توانست تجاوز و دست اندازی نکند. حاصل از ژانویه ۱۹۷۳ تا ژانویه ۱۹۷۵ آمریکا و ارتش مزدور سایگون ۴۰۰ هزار بار به مناطق آزاد شده ویتنام جنوبی حمله کرده و هکده های بسیاری را بمباران کرده و میهن پرستان و کمونیستهای بیشماری را بقتل رسانید.

پیروزی بر امپریالیسم آمریکا

خلق ویتنام تحت رهبری جبهه ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی، از ژانویه ۱۹۷۵ حملات وسیعی را علیه ارتش مزدور سایگون شروع نمود و پس از پیروزی‌های بسیاری که زیر سلطه رژیم سایگون بود را آزاد ساخت. از این پس پیروزیهای پیوسته یکی پس از دیگری فرا می رسید. در ۱۵ آوریل ۱۹۷۵ شش هزار فراریسید. در ۱۵ آوریل ۱۹۷۵ شش هزار مستشار نظامی آمریکائی مجبور به ترک خاک ویتنام شدند.

در ۲۱ آوریل ۱۹۷۵ ژنرال "وان تیو" مزدور آمریکائی در ویتنام جنوبی استعفا داد و ۵ روز بعد سوی جزیره "فرمز" فرار کرد. در ۲۹ آوریل همین سال آخرین دسته از جنایتکاران آمریکائی و از جمله سفیر آمریکا برای نزدیک شدن پیروزی انقلابیون، خاک ویتنام را ترک می کنند.

در این هنگام ارتش مزدور سایگون، زیر ضربات جنگ توده‌ای خلق کاملا سقوط کرده و در ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ سایگون توسط جنگجویان "جبهه ملی آزادیبخش ویتنام" تحت رهبری حزب زحمتکشان ویتنام متصرف شد و با لافره پرچم پیروزمند انقلاب بر فراز کاخ ریاست جمهوری برافراشته گردید و سرود فتح خوانده شد. وصیت رفیق هوشی مین به اجرا درآمد و ویتنام از اشغال تجاوزگران آمریکائی آزاد گردید. این پیروزی سرتاسر آموزش برای خلقهای جهان است. در طی مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا حزب زحمتکشان ویتنام توانست وحدت تمام طبقات و اقشار خلقی و بخصوص کارگران و دهقانان را در جبهه وسیع ملی آزادیبخش تامین نماید. در جنگ ضد امپریالیستی خلق ویتنام توانست تحت رهبری حزب، توده‌ها را آموزش سیاسی داده و تولید کشور را سازماندهی کرده و در جهت توسعه آن بکوشد و تا حد زیادی مواد ضروری مورد احتیاج توده‌ها را خود مهیا سازد.

آری وصیت رفیق هوشی مین به اجرا درآمد یعنی تمام سرزمین ویتنام آزاد گردید. خلق دلاور ویتنام بر امپریالیسم خونخوار آمریکا و بزدوران بومی‌اش پیروز شد و این پیروزی، پیروزی خلقهای جهان بود. این پیروزی نشان داد که خلقی مصمم با اتکا به نیروی خود میتواند از طریق یک جنگ قهرآمیز، خونین و توده‌ای بر دشمنی بزرگ و خطرناک پیروز گردد.

در همان زمان که خروشچف مرتد میگفت: "هر جنگ محلی کوچکی می تواند جرقه ای برای افروختن آتش جنگ جهانی باشد"، و اضافه می کرد:

"ما (یعنی آمریکا و شوروی ـ ارباب) نیرومندترین کشورهای جهان هستیم و اگر ما بخاطر صلح متحد نشویم آنوقت جنگ وجود نخواهد داشت و آنوقت اگر دیوانه ای جنگ بخواهد برای ما کافی خواهد بود که با انگشت خود روی آن فشار دهیم تا سرجای خود بنشینند".

(بنقل از "درخط مشی در مسئله جنگ و صلح").

آری در همین زمان خلق قهرمان ویتنام جانبازانه و با سلاحهای کمک حماسه ها می آفرید و با خون خود درخت آزادگی بشریت مترقی را آبیاری می نمود. در همین هنگام خلق ویتنام از طریق جنگ مسلحانه توده‌ای پوزه امپریالیسم پانکی را بر خاک می مالید و پیروزی درخشانی برای خود و تمام خلقهای جهان به ارمغان می آورد.

روشن است این پیروزی هنوز پیروزی نهائی و کامل نبود، راه درازی در پیش بود. راهی که می بایست به استقرار سوسیالیسم و نابودی استثمار انسان از انسان بیانجامد. ولی ویتنام چگونه به پیش رفت؟

پس از اخراج پانکی های جهانخوار آمریکائی و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی در دستگاه رهبری انحرافات جدیدی بوجود آمد، عملکرد گرایش رویزیونیستی درون حزب زحمتکشان ویتنام، این کشور را به قیمت محدود نمودن استقلالش به جانب سوسیال امپریالیسم شوروی بیشتر متمایل نمود. این امر نتیجه یک روند بود. اتخاذ موضع ایدئولوژیک بینا بینی در جنبش بین المللی کمونیستی در گذشته، عدم مبارزه ایدئولوژیک آشکار علیه رویزیونیسم خروشچفی، ارزیابی نمودن از شوروی بمثابه یک کشور سوسیالیستی و بعنوان دوست استراتژیک خلق، امروز بدانجا منجر گردیده که سیاست ویتنام در خدمت سیاست سوسیال امپریالیسم قرار گیرد. این مسائل نه تنها از یک سیاست تاکتیکی در قبال شوروی بهنگام جنگ رهائی بخش علیه آمریکا، بلکه نتیجه یک گرایش انحرافی ایدئولوژیک در حزب می باشد. این گرایش امروز آنچنان عمل نموده که ویتنام را بر آن داشته تا به عضویت پیمان تجاوزی ورشو درآید. امری که در تضاد آشکار با مارکسیسم لنینیسم و منافع خلق ویتنام است.

آری ما می گوئیم خلق ویتنام در مبارزه علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا پیروزی بزرگی بدست آورد، ولی از آنجا که کمونیستها همیشه حقیقت را می گویند ما می گوئیم امر فوق نیمی از حقیقت است، نیم دیگر حقیقت انحرافاتیست که رهبران ویتنام به آن دچار شده اند. ■

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

زحمتکشان در...

پوسیدگی نظام سرمایه‌داری وابسته ایران امروز به حد اعلای خود رسیده است و چنان زحمتکشان را زیر فشار گرفته است که تا کنون نظیرش دیده نشده است. دلالی، بورس بازی، رشوه‌خواری، زمین‌خواری و بطور کلی بکار انداختن سرمایه‌ها در رشته‌هائی که غیر تولیدی هستند جزو ذات این نظام است. این نظام دیگر حتی قادر نیست به حداقل خواستهای توده‌ها پاسخ گوید. از سوی دیگر توده‌های زحمتکش کم‌کم توهمشان نسبت به هیئت حاکمه فرومی ریزد و در می‌یابند که در مقابل کسانی قرار دارند که حاضرند به هر قیمتی که شده این نظام پوسیده را حفظ کرده و با رفرمها، چندی آنرا سرپا نگه دارند. نگاهی به رشد مبارزات طبقاتی زحمتکشان در شهرهای مختلف در عرض یکی دو ماه گذشته بخوبی این مسئله را نشان میدهد.

این بحرانی که امروز جامعه ما را فرا گرفته است ادامه بحرانی است که از سال ۵۳ که قیمت نفت چندبرابر گردید آغاز شده و تا کنون نیز همواره سیر صعودی طی کرده است. نگاهی به سیر رشد تورم در کشور ما بخوبی این مسئله را نشان میدهد. در فاصله سالهای ۴۱-۴۹ که سرمایه‌داری وابسته ایران دوره "رونق" خود را می گذراند، تورم در این ۸ سال ۱۴/۷ درصد بود، در حالیکه در سال ۴۹ - ۵۰ نسبت نرخ افزایش قیمتها ۵/۵ درصد، در سال ۵۱ - ۵۲ نرخ تورم ۱۱/۲ درصد، در سال ۵۲ - ۵۳ نرخ تورم ۱۵/۵ درصد و در سال ۵۴ که رژیم سابق "مبارزه با گرانفروشی" را آغاز کرد حدود ۲۲ درصد بود. حال آنکه در مدت ۹ ماه پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی نرخ تورم به ۳۵ - ۴۰ درصد رسید. مقایسه رقم ۲۲ درصد در سال ۵۴ و ۴۰ درصد گویای این است که تا چه حد بحران سرتاپای اقتصاد ایران را فرا گرفته است.

در فاصله یکسال ۵۸ قیمت کلیه اجناس بالا رفته است و این اضافه قیمت از ۲۰ درصد گرفته تا مرز ۲۰۰ درصد هم میرسد. نگاهی به جدول ۱ اضافه قیمت برخی از کالاهای مورد نیاز مردم را نشان میدهد. در کنار این افزایش سرسام‌آور قیمت اجناس، کمیابی مهمترین اقلام مورد نیاز مردم از قبیل نان، پودر رختشوئی، تخم‌مرغ، گوشت و... دیگر یک امر روزمره شده است.

زمانی بود که سرمایه‌داران وابسته ایران برای فروش هرچه بیشتر اجناس خود در درون قوطیهای پودر رختشوئی انواع واقسام جوائز قرار میدادند و بدین ترتیب مردم را تشویق به خریدن این اجناس میکردند. امروز وضع سرمایه‌داری وابسته ایران به جائی رسیده است که نمیتواند حداقل کالاهای مورد نیاز مردم را تامین نماید.

بدین ترتیب میتوان دریافت هنگامیکه سنی صدر از "خطر سیل" سخن میگوید فرا رسیدن مرگ این نظام را می‌بیند و خود را به هر دری میزند تا زمان فروریختن آن را به عقب اندازد. او و دیگر جناحهای هیئت حاکمه برای این کار رفرمهائی در آستین دارد که هرچند گاه آنرا رومی کنند تا بلکه زحمتکشان را در درک ماهیت هیئت حاکمه به اشتباه بیندازد. ولی رفرمها کمتر تاثیری در نجات این سیستم داشته‌اند. مثلا مدتی در تابستان ۵۸ هیئت حاکمه تصمیم گرفت برای "مبارزه با گرانفروشی" فروشندگان جزء را در خیابانها شلاق بزند. انعکاس این اقدام در جامعه منجر به اعتراضات شدیدی گردید و آنها ناچار شدند این روش را کنار بگذارند. ولی پس از مدتی باز دوباره این اقدام در دستور کار هیئت حاکمه قرار گرفت. "کمیته‌های صنفی امام" از ۱۰ بهمن ۵۸ "گروههای ضربت" تشکیل داده و چندی این روش پوسیده را تکرار کردند که بی شک یادآور "مبارزه با گرانفروشی" شاه خائن در سال ۵۴ بود و با لاخره هیئت حاکمه هنگامی که بی نتیجه بودن چنین روشهائی پی برد، عقب نشسته و از این اقدام چشم‌پوشید. رژیم جمهوری اسلامی برای منحرف کردن اذهان توده‌ها از دشمن اصلی خود که نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است کوشش میکند عوامل چون گرانی، بیکاری و... را به مسائلی از قبیل "گرانفروشی برخی کاسبکاران"، "اخلالگری ضد انقلاب"، اعتصابات کارگری و... نسبت دهد. اما در حقیقت این خود نظام است که فقر و استثمار را در وجود خود دارد و زحمتکشان برای پیروزی انقلاب خود بایستی این نظام را درهم شکسته و از طریق حاکمیت خود نظام تولیدی و اقتصادی دیگری را که چیزی جز سمتگیری بسوی اقتصاد سوسیالیستی نیست بنا نهند. بدین ترتیب و بطور محوری میتوان رشد تورم را چنین خلاصه نمود

۱- سرمایه داران بزرگ وابسته و انحصارات امپریالیستی

سرمایه‌داران وابسته پس از قیام توانستند موقعیت خود را حفظ کنند و به استثمار بیشرمانه خود از زحمتکشان ادامه دهند. اینان با بندوبست هائی که با انحصارات امپریالیستی دارند، قیمتها را بطور انحصاری تعیین کرده و سود فوق العاده ای را به جیب میزنند و بخشی از این سود را به انحصارات امپریالیستی می‌دهند.

اقتصاد ایران در بخشهای مختلف خود (صنعتی کشاورزی، تجاری) وابسته به انحصارات امپریالیستی است. در آن راه امپریالیستها برای مواد اولیه، لوازم یدکی، ماشین آلات، کارشناس و... قیمت‌های بسیار بالائی تعیین میکنند و سرمایه‌داران مزدور و وابسته ایرانی سود حاصله از غارت زحمتکشان را با دودستی تقدیم آنان میکنند. تعدادی از این سرمایه‌داران قبل از قیام از کشور فرار کرده، تعداد دیگری با جمادانهای پر پول به برکت امکاناتی که دولت موقت بازرگان برایشان فراهم کرده بود، از کشور گریخته و بقیه نیز به حیات کثیف خود در کشور ادامه داده و به مکیدن خون زحمتکشان مشغولند.

۲- سرمایه‌داری متوسط ایران

بخش مهمی از سرمایه‌داران متوسط را بورژوازی متوسط تجاری و دلال (بویژه بخش بورژوازی بازار) تشکیل میدهد. پس از قیام که به برکت مبارزه انقلابی توده‌ها ضربه‌ای به نظام سرمایه‌داری وابسته وارد شد، سرمایه‌داران متوسط امکانات فراوانی به دست آوردند. اینان در زمان رژیم شاه برای وارد کردن اجناس خود از خارج با محدودیت‌های گمرکی، اعتباری و... روبرو بودند. پس از قیام و بدست آوردن قدرت اصلی در هیئت حاکمه شدیدتر از قبل به استثمار زحمتکشان می‌پردازند. "لوایح قانونی" هم که پشت سرهم از طرف شورای انقلاب ما در میشود در جهت تحکیم قدرت اقتصادی این قشر میباشد. بورژوازی تجاری، دلالان، محتکران و غیره گروههای بسیار استثمارگری هستند که به سودهای کمتر از ۱۰۰ درصد رضایت نمیدهند و دولت حامی آنان شرشهرش زمینه را برای فعالیت آنان فراهم میکند. بورس کنندگان تخم‌مرغ، برنج، میوه‌جات، صاحبان مغازه‌های گوشت فروشی، صاحبان سالنهای (۱) و... دیده‌ایم که چگونه قیمتها را ارزانی درست کردن کمبود مصنوعی بالا برده‌اند.

۳- دولت

در واقع دولت حامی طبقه سرمایه‌دار است و منافع کل آنها را در نظر دارد. در عین حال خرجی که دولت برای دستگاههای عظیم اداری میکند از عوامل مهم تورمی و شورم میباشد. مثلا حفظ و تحکیم ارتش مدعی با آن تجهیزات عظیم، ژاندارمری، شهربانی، سپاه پاسداران، کمیته‌ها، خرجی که برای آنها میشود در واقع پولی است که از جیب زحمتکشان بهدر میرود و بر تورم می افزاید.

دهها بانکی نیز که دولت "ملی" کرده و بدون تغییر در سیستم فاسد آن، اداره آنرا به عهده گرفته است خرج عظیمی را می طلبد. به اعتراف بنی صدر و مقامات دولتی، دولت تا کنون میلیونها دلار بابت قرض که کارخانجات و بانکهای با اصطلاح ملی شده به امپریالیستها بدهکار بوده را نپرداخت کرده است و روشن است که با این سیاست با ردیگری بر دوش زحمتکشان گذاشته شده است. علاوه بر این، وزارتخانه‌ها، ادارات، موسسات مختلف صنعتی و بازرگانی و موسساتی که بعد از قیام بوجود آمده‌اند (نظیر بنیاد مستضعفین و...) همه دستگاههای عظیمی هستند که سرچشمه اختلاس، دزدی، رشوه‌گیری و... میباشند.

دولت خود یکی از عوامل مهم رشد تورم است. چندماه پیش دولت خود رسما قیمت لبنیات را بالا برد (از طریق حذف کمکهائی که دولت به این رشته میکرد). بعد از قیمت بلیطهای قطارها (که در دست دولت است) افزایش یافت (۲). بعد از دولت "خدمت" بیشتری به زحمتکشان کرده و طرحی داد که بر اساس آن کمکهای مالی دولت برای بعضی از موادغذائی که به بعضی استانها منجمله تهران اختصاص داده شده قطع شود و به عبارت دیگر از افزایش قیمتها از راحت و آسان افزایش دهند و "دلیل" دولت هم این بود که میخواهند تبعیض را در رابطه با استانهائی که چنین کمکهائی را دریافت نمی کردند از بین ببرند! (سخنان آیت الله مهدوی کنی، اطلاعات ۵۹/۱/۹).

ملاحظه میکنید دولت اگر می خواهد تبعیض را از بین ببرد در جهت ضرر زحمتکشان حرکت میکند. مسئله به اینجا هم خاتمه پیدا

جدول ۱ - مقایسه نرخ چند قلم کالا در یکسال گذشته

کالا	مقدار	قیمت (ریال) ۱۳۵۷	قیمت (ریال) ۱۳۵۸	درصد اضافه قیمت ۵۷ - ۵۸
برنج ایرانی اعلا	۱ کیلو	۱۱۰	۱۵۵	۴۰/۹
مرغ	۱ کیلو	۱۳۰	۲۲۰	۶۹/۲
گوشت تازه	۱ کیلو	۲۵۰	۳۵۰	۴۰
شیر	۱ قوطی	۶	۱۰	۶۶/۷
تخم‌مرغ	۱ کیلو	۱۲۰	۱۵۰ تا ۱۷۰	۲۵ - ۴۱/۷
کپسول گاز	۱ عدد	۱۳۵	۱۹۰	۴۰/۷
روغن نباتی	۵ کیلو	۲۸۵	۴۰۰	۴۰/۳
صابون	۱ قالب	۸	۱۶	۱۰۰
پودر رختشوئی	۱ قوطی	۱۸	۲۵	۳۸/۹
برنج آمریکائی	۱ کیلو	۶۱	۸۰	۳۱/۲
مایع ظرفشوئی	۱ عدد	۴۸	۷۵	۵۶/۳

ماخذ - اطلاعات - ۵۸/۱۱/۱۳

صف زحمتکشان برای خرید گوشت، نان، تخم‌مرغ و... روزه روز اول

(۱) - همانطور که میدانیم قیمت نان در چند ماه اخیر افزایش بیسابقه‌ای یافته است و از عرضه آن نیز کم شده است (که در واقع هر دو، دوروی یک سکه است بدین منظور که سرمایه‌داران ابتدا عرضه را در بازار کاهش میدهند تا تقاضا برای آن بالا رود، سپس به قیمت آن می افزایند) بطوریکه نان لواش را که قیمت رسمی آن کیلوئی ۳۰ ریال است تا ۱۲۰ ریال هم میفروشند (اطلاعات ۱۴ فروردین تا ۱۲۰ ریال هم میفروشند (اطلاعات ۱۴ فروردین)

(۲) - افزایش قیمت بلیط قطارها چنین است: درجه لوکس افزایش قیمت ۲۰ درصد، درجه یک معمولی میزان افزایش ۲۵ درصد، درجه سه میزان افزایش ۳۵ درصد، درجه ۲ میزان افزایش ۵۰ درصد (اطلاعات ۱۰ فروردین) همانطور که ملاحظه میشود هرچه سطح قیمت بلیط پائین می‌آید، افزایش قیمت بالاتر میرود. این بعبارت دیگر زحمتکشان اضافه قیمت بیشتری بایستی بپردازند تا پولدارها و مفت‌خورها!

نان، مسکن، آزادی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

۱۲ اردیبهشت روز معلم و نوزدهمین سالگرد شهادت دکتر خانعلی گرامی باد!

۱۲ اردیبهشت سالگرد تظاهرات شکوهمند معلمان و شهادت معلم مبارز دکتر خانعلی، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی مردم میهنمان است که خاطره آن هرگز فراموش نخواهد شد. اعتصاب و تظاهرات معلمین در این روز که با حرکت صفوف فشرده آنان شروع شد، با اوج - گیری و پیدا کردن ابعاد تودهای خود، با مشتهای گره کرده زحمتکشان و دانشجویان، پیوند خورد و بصورت سیلی عظیم از خشم و کینه خلقی تحت ستم علیه حکومت مستبد و وابسته به امپریالیسم پهلوی جلوه گر شد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و تحکیم پایه های امپریالیسم توسط رژیم شاه و ادامه یک دوره خفقان و ترور، روز ۱۲ اردیبهشت ۴۰ روز فوران خشم فرو خورده خلق و تجلی همبستگی و شهر طغیانی آن علیه حکومت سرمایه داران وابسته و ارباب سان بود. بحران اقتصادی - سیاسی سالهای ۳۹ - ۴۰ از شدت خفقان سالهای قبل کاست و فشارهای اقتصادی - سیاسی، رژیم را وادار به عقب نشینی در مقابل حرکتهای اعتراضی توده ها نمود. اعتصابات مختلف از جمله اعتصاب کارگران پافندگی شهناز و نخ تاب اصفهان بخاطر کمی دستمزد، اعتصاب کارگران رشت و بستگی "فارس" شیراز، اعتصاب کارگران لنکرود و نفت مسجد سلیمان، حسینیه های دهاتی در آمل و مازندران، مبارزات دانشجویان علیه خفقان و به بند کشیدن آزادیها، همه و همه از یک طرف رژیم را دچار ضعف ساخت و از سوی دیگر با عث اوج و گسترش مبارزات توده ها گشت. بحران اقتصادی - سیاسی در داخل کشور که ناشی از رشد تضادهای درونی و بوسیله دگی نظام حکومتی و تحت تاثیر بحران بین المللی در آن سالها بود همراه با تحولات و آشفتگی اوضاع در حاور - میانه و اوج گیری مبارزات مردم منطقه بود. تاثیر این تحولات در داخل کشور و رشد روز افزون اعتراضات توده ای رژیم را وادار به در پیش گرفتن سیاست رفرم و دادن برخی امتیازات از جمله آزادی برگزاری میتینگ و سخنرانی کرد. با اینکه احزاب لیبرال و سوروزاری متوسط نظیر جبهه ملی، نهضت آزادی، حزب زحمتکشان بنا شی، حزب سوسیالیست خنجی و ... از این دوره "تنفس" برای فعالیتهای علنی با سیمه علنی شان استفاده میکردند، ولی حزب توده بدلیل رشد و ریزبوئیسم و دنباله روی از سیاست شوروی نه بی عملی و بدایم کاری گرفتار شده بود، بطوریکه دانشجویان و دانش آموزان و معلمین قبل از انقلابی با درون احزاب فوق فعالیت میکردند با بصورت پراکنده و منفرد به مبارزه ادامه میدادند و از داشتن یک تشکیلات انقلابی و رزمنده محروم بودند و میدان بدست عناصر وابسته ای مثل برخی (که حزب) با بدآمریکائی علی امینی بود) افتاده بود که با ایجاد "جامعه معلمان" (با تکاء مهرکان) سعی در به انحراف کشاندن مبارزات معلمان داشت. محمد درخشش برای جلب معلمان و فریب آنها حتی سخنرانیهای مخالف شرکت امامی ترتیب میداد. اما رژیم حتا با تکاء رشاء

حتی فعالیتهای ملایم سیاسی معلمین در پناه تکاء مهرکان را هم تحمل نمیکرد و بارها مامورین رژیم به تکاء مهرکان حمله کردند. معلمان آگاه و مبارز که بخوبی چهره درخشش این عنصر وابسته به رژیم را می شناختند و با درک ماهیت واقعی رژیم و عوامل ملش، بنا بر وظیفه تاریخی خویش دست به ایجاد شبکه هائی برای بسیج معلمان مبارز در سواحل مختلف تهران و شهرستانها بزرگ زدند و در اوج رخشش درخشش و با موران رژیم شاه اعتصابات اعتراضی آمیز معلمان را تدارک دیدند و با لاخره در روزهای اول اردیبهشت ماه سال ۴۰ اعتصابات معلمان شروع شد. معلمان دست به اعتصابی زدند که با دستگیری درخشش از سوی رژیم که ماجرا به ویرانه خود رژیم بود همراه گشت. در ادامه اعتصابات تظاهرات عظیمی در روز ۱۲ اردیبهشت در میدان بهارستان برپا شد. این تظاهرات اعتراضی بود به کمی حقوق و شرایط سخت و طاقت فرسای زندگی خود، به زندگی منفعت بار زحمتکشان، به سیاستهای خیانتی و نبودن آزادیهای اجتماعی و این حرکت عظیم با شهادت دکتر خانعلی معلم مبارز که مامورین رژیم دست بسته به تاکاء او را هدف اصابت گلوله های آمریکائیان قرار دادند، اوج بیشتری یافت و تعدادی دیگر نیز زخمی شدند. جمعیت بیکران غصه بخون خانعلی را تا مسافت زیادی روی دوش حمل کردند و با شعارهایشان که به فریاد بدل شده بود حمایت رژیم را به مردم اعلام کردند. موج حرکت به تمامی شهر رسید، دانشگاه و بیشتر موسسات و مغازه ها تعطیل شد و در روزهای بعد اعتراض و خشم مردم بصورت تظاهرات بزرگ و خروشی درآمد و منجر به استعفای دولت منصور شریف امامی و تشکیل کابینه مردود دیگر امپریالیسم دکتر علی امینی گشت. بدنبال وقوع این حوادث معلمان شروع به دادن استعفای دسته جمعی میکنند. اما دولت بوسیله قانون پاره ای خلوآبان را میگیرد تا بخیال خود تن خلو مبارزات معلمین را بگیرد. اما مبارزات سراسری معلمین ادامه می یابد. در سالهای بعد معلمان انقلابی چون شهید صدیقی، مرتضی احمدی اسکوئی، شمس جزیری، رفعت افراز، شیرین فصیلت کلام (مقاومت)، محبوبه متحدین، محمدرضا کلانتری، حسن آلادپوش، خسرو اصلاحی و ... در شهرهای مختلف به افشاندن بذر آگاهی در دل جوانان و توده ها می پردازند و سرانجام بدست دژخیمان رژیم پهلوی به خون

صحنه ای از تظاهرات ۱۲ اردیبهشت سال ۳۹ معلمین مبارز و آگاه

خویش در می غلطند.

رژیم شاه با پیاده کردن سیاستهای امپریالیستی در تمام زمینه ها سعی در تحمیق توده ها و عقب نگاه داشتن آنها میکند تا جلوی حرکت و رشد مبارزاتی آنها را بگیرد. در آموزش و پرورش بیش از پیش فرهنگ امپریالیستی حکمفرما میگردد و معلمان و دانش آموزان در معرض توطئه های عوامفریبانه رژیم ضد خلقی شاه قرار میگیرند. اما توده ها جرح نگاه ملی تاریخ را با زحرکت در می آورند و با قیام سهمگین ماه به حکومت سی و چند ساله محمدرضا خائن پایان میدهند و می بینیم که با زمعلمان همپای توده های تحت ستم به مبارزه مرگ خیز و حتی تهدیدها و اخراجها و شکنجه ها نمیتواند مانع از حرکت سوفسد آنها و شرکتشان در قیام خونین ۲۲ بهمن گردد. و اکنون در شرایطی خاطره شکوهمند روز معلم ۱۲ اردیبهشت ۴۰ را گرامی میداریم که مبارزات توده ها علیه رژیم ضد انقلابی حاکم و سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ادامه دارد و فشارها و حقوق و به بند کشیدن آزادیها معلمان را همچون سایر مردم در برگرفته است و هر روز شاهد تشدید، اخراج و ممنوع التدریس کردن معلمان آگاه و انقلابی کشورمان هستیم. امسال در شرایطی خاطره معلم شهید دکتر خانعلی را گرامی میداریم که هنوز خون سرخ معلمان شهید انورمحدی، هرمز کرجی سیاسی، یحیی خانوتی، مصطفی سلطانی، وندادا بمانی، و سرنگاری که بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شد، نخشکیده است. رژیم سعی دارد با فریب دادن توده ها و تحمیق آنها این بار با استفاده از اعتقادات مذهبی مردم هر چه بیشتر آزادیهای بدست آمده را که با جاری شدن خون ۷۰ هزار شهید بدست آمده به بند بکشد. معلمان هر روز اخراج میشوند، دانشجویان از فعالیت سیاسی محروم میگردند و تنها بخاطر داشتن عقاید مترقی و فعالیت انقلابی بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی به خون خوبش در می - غلطند، دانش آموزان همراه دانشجویان با کشته میشوند یا شهید به اخراج و حتی مرگ میگردند و این جنایات در ماهیت رژیمهای ضد خلقی اشت. اما همواره توده ها راه معلمان انقلابی خویش را خواهند رفت و معلمان آگاه با مبارزه هر چه گسترده تر علیه امپریالیسم و مظاهر بوسیده آن بخصوص فرهنگ منحط امپریالیستی و ارتجاعی، با آگاه ساختن معلمان و دانش آموزان و مشکل کردن معلمان در تشکیلات واقعی و بدور از تنگ نظری و انحراف، حرکت جرح عظیم تاریخ را که بسوی نابودی هرگونه ستم به پیش میرود، سریعتر خواهد ساخت.

هر چه گسترده تر باد پیوند معلمین انقلابی با زحمتکشان جامعه!

گرامی باد یاد معلمان شهید دکتر خانعلی و دیگر معلمین آگاه و انقلابی!

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی اش!

اعلامیه شماره ۷۹

مبارزه بیکاران همچنان ادامه دارد!

هیئت حاکمه ضد خلقی ایران در آستانه سال جدید با تدبیر تمسک به تحمیق و آنگاه قول داده که در سال "امنیت" کارگران و زحمتکشان و انقلابیون و نیروهای مترقی را سرکوب کند. قتل عام "قهلانان" کشتار بیکاران در دو ماه هشتم، کشتار دانشجویان انقلابی در دانشگاه - ها سرکوب خلق دلاور کردو ... اینها همه در رابطه با برنامه سرکوب او در سال "امنیت" است.

روز سه شنبه ۵۹/۱/۲۷ بدعوت کانون فارغ التحصیلان بیکار آبادان یک راهپیمائی از بیشتر ۳۰ کوی اتحاد (بازرگان) بحمایت از خواستهای بیکاران سراسر ایران و در اعتراض به کشتار و سرکوب بیکاران اندیمشک دزود، ماهشهر و ... سرگرفتند. نظام هرکنندگان

قاعدتاً با نقل قولی که از حقیقت آوردیم، "اتحادیه" ارتجاعیان را تشویق میکند که این زمین را بین خود تقسیم کرده و بیک تولید بزرگ مکانیزه را بصورت تولیدهای خرده پیرا کنده دهاتی که از لحاظ تاریخی یک مرحله عقب است در آورند! که بر واضح است این سیاست نه یک سیاست پرولتری، بلکه یک سیاست و تفکر دهاتی است.

با شعارهای خود، خشم و نفرتشان را نسبت به سرکوبگران زحمتکشان ابراز می داشتند. آنها شعار می دادند:

کشتار بیکاران، در شهرهای ایران، بدست پاسداران، حامی سرمایه دار محکوم است، محکوم است

شهید اندیمشکی، راهت ادامه دارد، حتی اگر شب و روز برما گلوله بارد

خلق دلیر ایران، هدیه به بیکاران، گلوله است و زندان

شهادت بیکاران، جنایت آمریکا

شعار زحمتکشان، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا

از قحطی، گرانی، بیکاری مردم به تنگ آمدند.

از اعتصابیان پس از گذشتن از کفیشه، لین ۷ احمدآباد، وارد مرکز شهر شده و مقابل سینما رکس آبادان قطعنامه خود را قرائت کردند. در خلال راهپیمائی عده ای جمله دار کوشیدند که در صفوف نظام هرکنندگان اخلال کنند ولی موفق نشدند. روز بعد (۱/۲۸ / ۵۹) چند پاسدار به محل جا درکانون فارغ التحصیلان رفته و خواستار برچیده شدن آن شدند. آنها خود را از طرف فرماندار شهر مامور این عمل معرفی می کردند. اما پس از مقاومت و افشاگری چند تن از دبیلمه ها محل را ترک کردند.

بقیه از صفحه ۵

روش کمونیستها ...

خصوصی دهاتی را تبلیغ و ترویج کنیم، اما فعلا معادله را مطرح می کنیم و از جنبش دهاتی در مقابل زمینداران بزرگ حمایت می کنیم ولی هرگاه پس از پیروزی انقلاب بتوانستیم دهاتی را قانع کنیم که از تقسیم زمین جلوگیری شود و آنگاه ما ناچار شدیم دست به این کار بزنیم در آنصورت ما با زهم مبارزه خواهیم کرد. در اینجا دیالکتیک دهاتیان مرفه. ما قبلا سیاست بلشویک ها را قبل از انقلاب اکتبر در برخورد به جنبش دهاتی نقل کردیم و جالب است که پس از پیروزی انقلاب اکتبر لنین مطرح میکند که ما متاسفانه ناچار شدیم زمین ها را میان دهاتیان تقسیم کنیم.

این درست است که همه انقلابات جهان بر سر مالکیت بر ابزار تولید میباشد اما آیا این به معنای آن است که کمونیستها هم از مالکیت خصوصی بر ابزار تولید پشتیبانی می کنند؟ آیا کمونیستها از خلعت دمکراتیک جنبش دهاتی در برابر زمینداری بزرگ پشتیبانی می کنند یا از خلعت خرده بورژوازی جنبش دهاتی؟ این مسئله از جنبه دیگری نیز قابل توجه است. فرض کنید زمینی بصورت یکپارچه و بشکل مکانیزه مصادره گردد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بمناسبت صدودهمین سالگرد تولد لنین (۲۲ آوریل - دوم اردیبهشت)

لنین وپیکارتاریخی اش علیه رویزیونیسم (۲)

"تنها خط مشی مارکسیستی درخشش کارگری جهانی است که برای توده‌ها احساسات سازشی ولزوم گسستن از اپورتونیسم را توضیح داده و از طریق انجام یک مبارزه‌ی امان برعلیه اپورتونیسم آنها را برای انقلاب تعلیم داد."

(لنین - امپریالیسم وانشعاب درسوسیالیسم).

لنین درتحلیل خود از امپریالیسم چنین نتیجه گرفت که تضادها وتناقضات درونی سیستم امپریالیستی به نقطه‌ای ازپختگی خودرسیده که نظام کنونی را به سن بست نهائی خودکشانیده‌اند. او گفت امپریالیسم رتضادهای ذاتی سرمایه‌داری را به آخرین مرحله خود رسانیده وبنا کزیرا ستقرار سوسیالیسم را بمثابه نظم نوین بطور مشخص مطرح ساخته ودردستورقرار داده است وبهمین خاطر امپریالیسم آستان انقلاب سوسیالیستی میباشد ولنین پرولتاریا را تنها طبقه پیگیری بحساب می آورد که قادراست با درهم شکستن قهرآمیز دستگاه بورژوائی انقلاب سوسیالیستی را تحقق بخشد.

ولی درهمین زمان، یعنی درهنگامیکه بحران گسترده‌ای بورژوازی امپریالیستی را فراگرفته بود، درهنگامیکه موج مبارزات انقلابی پرولتاریا وتوده‌های تهیدست علیه جهان سرمایه‌داری ابعادگسترده‌ای پیدا می کرد، درهنگامیکه پرولتاریای جهانی خودرا برای انقلاب پرولتری آماده میساخت و در هنگامیکه سازمان دررمنده وپیشقدرتی لازم بود تا مبارزات سهمگین توده‌ها را دراردوگاه درهم شکستن نظم کهن هدایت نموده وآنرا تا پیروزی کامل بسرانجام برساند، اپورتونیست ها ورویزیونیستها پرچم تسلیم را بلندکرده بودند. آنان مخالف انقلاب بودند وپرولتاریا را ازسرنگونی قدرت سیاسی بورژوازی برحذرمی داشتند. آنان به پرولتاریا آشتی با بورژوازی را می آموختند ودرپی آن بودند تا بورژوازی درفلاکت را نجات بخشند وآنرا از اضمحلال تاریخی اش بدوردارند. انترناسیونال دوم واحزاب اپورتونیست وابسته بدان به پرولتاریا خیانت کرده وراه ارتداد را درپیش گرفته بودند.

این مسئله چگونه قابل توضیح بود؟ چرا اپورتونیسم علیه انقلاب پرولتاریا موضع گرفته وبحمایت ازبورژوازی بلندشده بود؟ چه ارتباطی میان امپریالیسم و رویزیونیسم موجودبود؟

رابطه بین رویزیونیسم و امپریالیسم چیست؟

لنین درهنگامیکه انقلاب پرولتری فرا رسیده بوددرتوضیح اینکه چرا احزاب رویزیونیست انترناسیونال دوم ازمبارزه طبقاتی وانقلاب واستقرار دیکتاتوری پرولتاریا استنکاف ورزیده واینکه چگونه رویزیونیستها راه انقلاب را سدکرده‌اند، به فعالیت گسترده‌ای پرداخت. لنین مطرح ساخت که رویزیونیسم واپورتونیسم زائیده امپریالیسم است. امپریالیسم سرمایه‌داری طفیلی ویا درحال گندیدگی میباشد. ازجمله تبلورات این گندیدگی بوجودآمدن یک قشر تنزیل بگیرودولت تنزیل خوار است که با

مدورسرمایه به کشورهای دیگرمدها میلیون نفرازخلقهای جهان را غارت میکند. امپریالیسم مانندالوئی بربدن توده‌های ستمدیده جهان می چسبدوازخون آنان تغذیه میکندوازاین راه سودهنگفتی بدست میآورد. لنین اضافه میکندکه امپریالیسم با بکار گرفتن جزئی ازاین سودعظیم است که قشر فوقانی طبقه کارگررا میخردوبه فساد میکشاند وآنرا به مهمترین پایگاه اجتماعی خود در درون جنبش کارگری، تبدیل می نماید. بنابراین بورژوازی ازنظراقتصادی، ازقبل غارت وچپاول خلقها وکسب مافوق سود امپریالیستی اثرات کارگری را پروش داده وآنرا به اهرمی برای به انحراف کشاندن مبارزه طبقاتی پرولتاریا وخلوگیری ازانقلاب سوسیالیستی تبدیل میکند. بورژوازی این قشررا می پروراندواین قشر

"نفوذبورژوازی را بویژه درمیان پرولتاریا میگسترد، جائی که بورژوازی بسیارندان احتیاج داردوجائیکه مطیع کردن اخلاقی توده‌ها ازهمه جا مشکلتراست." (امپریالیسم وانشعاب درسوسیالیسم)

بدین ترتیب ازنظرلنین بین امپریالیسم ازیکسووا پورتونیسم ورویزیونیسم و سوسیال شوونیسم ازسوی دیگرارابطه اقتصادی مستقیمی وجوددارد. مافوق سود امپریالیستی سرمنشائی است که رویزیونیسم راهستی می بخشدوبنا براین رویزیونیسم زائیده امپریالیسم میباشد. بقول لنین:

"بدیهیست با یک چنین مافوق سود هنگفتی میتوان رهبران کارگران و قشرفوقانی کارگران راکه قشر اشرافیت کارگری باشند، خرید. این قشرراهمان سرمایه‌داران کشورهای "پیشرو" میخرندواین عمل راهم به هزاران وسائل مستقیم وغیرمستقیم، آشکارا وپنهانی انجام میدهند."

(امپریالیسم بمثابه آخرین مرحله سرمایه‌داری)

برمبنای پایه اقتصادی فوق، موسسات سیاسی سرمایه‌داری مانندمطبوعات، رادیو وتلویزیون، پارلمان، سازمانهای دولتی سندیکاها وغیره با دادن پست ومقام مناسب و حقوق های گزاف به کارگران وکارکنان رویزیونیست ورفرمیست، برای آنها امتیاز

- ات سیاسی را نیزبوجودمی آورندونتیجتا بورژوازی با تطمیع کامل این قشرآنرا به حامل سیاست خوددرمیان طبقه کارگرتبدیل میکند.

ماهیت خط مشی رویزیونیستها چیست؟

حال ببینیم رویزیونیستها دارای چه خط مشی ای هستندودرقبال طبقه کارگرچه می کنند؟ لنین مطرح میکندکه درعصری که مارکسیسم یک گرایش قوی ومحبوب رادرمیان کارگران تشکیل میدهد، بورژوازی واپورتونیستها نمی توانندنسبت به آن بی تفاوت باقی بمانند، آنان برای فریب توده‌ها مارکس راستایش میکنندوبه مارکس فحش میخورند، ولی درهمان زمان به ایدئولوژی پرولتاریا وجوهرانقلابی آن خیانت میورزند.

اپورتونیستها ورویزیونیستهای مرتد تحت لوای مارکسیسم عقایدمنحط رفرمیستی، بورژوائی وامپریالیستی رادرمیان طبقه وتوده‌رواج میدهندتا آنان رادراسارت منافع بورژوائی نگاه دارند. رویزیونیست ها اساسا حامل عقایدونظرات بورژوائی درمیان طبقه کارگرمیباشند. بقول لنین:

"آنها حامل عقایدوتعدیبورژوائی هستندو...واقعا منحدس وعامل بورژوازی اند."

وبهمین خاطررویزیونیستها

"با پرولتاریا بعنوان یک طبقه یکپارچه بوده، خدمتگزاران، عاملین ووسیله اعمال نفوذبورژوازی اندواگرجنبش کارگری خودرا ازدست ایشان نجات ندهدیک جنبش کارگری بورژوائی باقی خواهدماند." (تاکیدازماست)

(امپریالیسم وانشعاب درسوسیالیسم)

لنین پیوسته برروی این مسئله تاکید میکردکه ماهیت ایدئولوژیک - طبقاتی رویزیونیسم بورژوائی است وکاملادرتضاد عریان وآشتی ناپذیربا ایدئولوژی پرولتری است. سوسیال شوونیستها ورویزیونیستها دشمنان طبقاتی پرولتاریا میباشند، زیرا باشعارها میکوشندتا طبقه کارگررا ازتصرف قدرت سیاسی دورکرده وقدرت سیاسی بورژوازی راتداوم وتحکیم بخشند. بهمین جهت بودکه لنین می گفت:

"اپورتونیسم، دشمن اصلی ما است. اپورتونیسم دردرده‌های بالای جنبش طبقه کارگر، سوسیالیسم بورژوائی است که سوسیالیسم پرولتاریائی، عملا نشان داده است که همانا لین طبقه کارگرکه ازاین اپورتونیستی پیروی میکنند، بهترازخودبورژواها ازبورژوازی دفاع میکنند. اگرآنها رهبری کارگران را بعهده بگیرندبورژوازی نمیتواندرقدرت بماند." (تاکیدازماست - گزارش مربوط به اوضاع بین المللی ووظایف اساسی انترناسیونال کمونیستی)

لنین درافشای بیرحمانه دشمنان زخائنین به طبقه کارگردرهمین رساله درمورد رویزیونیستها صحبت از "بورژواهائی که لباس رفرمیستی بتن کرده‌اند" میکندومطرح می نماید که آنها "همه کارهائی را با روحیه - ای بورژوائی وغیرپرولتاریائی انجام میدهند".

بالطبع بدواضح است حزبی که تحت نفوذوهدایت رویزیونیستها میباشد، حزبی که توسط رهبرانی رهبری میشودکه دارای عقایدبورژوائی وروحیه‌ای غیرپرولتاریائی میباشند، حزبی که درامسار مجلس بورژوازی - زی درجنبش کارگری میماند، نمیتواند ماهیتی جزیک ماهیت بورژوائی داشته باشد چنین حزبی کاملا درخدمت بورژوازی بوده و درپی به انقیادکشیدن جنبش طبقه کارگر در منافع بورژوائی وبه انحراف کشاندن مبارزه طبقاتی پرولتاریا میباشدوبهمین لحاظ دشمن سرسخت پرولتاریاست. جنبش احزابی اگرچنانچه دارای گمیته‌ها توجهی ازکارگران باشندیا زهم دارای ماهیت بورژوائی وضدانقلابی میباشند. لنین در باره چنین احزابی می گفت:

"هم اکنون بورژوازی درسراسرکشورها برای خوداحزاب کارگری بورژوائی ازمیان سوسیال شوونیستها بوجودآورده، پرورانده وتامین کرده است."

(امپریالیسم وانشعاب درسوسیالیسم)

به همانگونه که جنبش کارگری تحت نفوذ وسیطره رویزیونیستها واپورتونیستها یک جنبش بورژوائی خواهدبود، احزاب کارگری نیزچنانچه تحت سیاست ومشی رویزیونیستی قرارداشته باشند "احزاب کارگری بورژوائی خواهندبود، زیرا این احزاب اگرچه لباس مارکسیستی پوشیده‌اندولی ازمنافع تاریخی وانقلابی طبقه کارگرحمایت نکرده وبرعکس حافظ سیستم سنگراته بورژوائی میباشند.

لنین درپی آن بودتا به پرولتاریای بین المللی راه نجات ازاسارت وستم سرمایه‌داری رانشان دهد، ودرپی آن بود تا راه انقلاب سوسیالیستی راروشن گرداند واومیدانست که رهائی طبقه کارگربدون خط فاصل کشیدن روشن بین کمونیستها وپرولتاریا ازیکسوورویزیونیستها وبورژوازی ازسوی دیگر، بدون مبارزه قاطع وبیگیرعلیه رویزیونیسم امکان پذیرنخواهدبود. لنین، اسلحه لنینیسم رابدست پرولتاریا داد تابطور آشتی ناپذیرعلیه رویزیونیسم بحنگدوبدون وقفه تئوری کشت قدرت سیاسی به پیش رود، او پیوسته به پرولتاریا هشدارمیداد که:

"سوسیال شوونیستها دشمنان طبقاتی ما وبورژواهائی دراحل جنبش کارگری هستند". وظایف پرولتاریادرانقلاب ما

لنین میدانست هرگونه کم بها دادن به مبارزه علیه رویزیونیستها خدمت به بورژوازی وضربه به پرولتاریاست واین درس بزرگی است که لنینیسم به ما میاموزد. اگرما این درس ضدرویزیونیستی رانیاموزیم، اگر رهنمودهای لنینیسم رادرمبارزه علیه رویزیونیسم بکارنبندیم، کمونیستهای واقعی نخواهیم بود. این مطلب اساسی ما است مطلبی که هرگزنباید فراموش کرد.

ادامه دارد

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ماهمواره با پشتیبانی وحمایت همه جانبه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد.

کمکهای مالی خود را ازهر طریق که میتوانید به دست ما برسانید

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

توضیح سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

درباره مقاومت متحدانه و قهرمانانه دانشجویان انقلابی و مبارز

و چگونگی ترک دفاتر دانشجویی

هم میهنان مبارز!

بدنبال یورش ارتجاع ، دولت بنی صدر و شورای عفو انقلاب به دانشگاه ، این سنگر آزادی و مبارزه عدامیر ـ بالیسمی که هدفی جز خاموش ساختن صدای حق طلبانه دانشجویان انقلابی و کمونیست و طوفانگیری از افراد بیش آگاهی توده ها را در بر نداشت سازمان ما بدرستی از همان ابتدا روی تاکتیک مقاومت فعال دانشجویان انقلابی و مبارز در برابر این تهاجم و یورش تاکید نمود و در همین رابطه از کلیه دانشجویان انقلابی و کمونیست خواست تا اولا با تشکیل کمیته های همآهنگی این مقاومت را به شکل متحدانه و یکپارچه ای هدایت نموده و بسیج سرتاسری تا ثانیا تحاکه به شهران مربوط می شود دانشجویان با تمرکز حداکثر نیروهای خود در دانشگاه شهران ، بعنوان مرکز اصلی مقاومت ، صدای حق طلبانه خود را در دفاع از حقوق سیاسی و صنفی خویش و دفاع از آزادی زندانیان به گوش مردم میرسانند .

بسرعت کارها در مجموع بررسی تاکتیک ما را نشان داد و همانطور که ما حدس زدیم ، این حرکت اصولی علیرغم عدم مواضعه و همکاری دانشجویان هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران و سخنگویان به نیروهای چپ ، منجر به شکل گیری مقاومت یکپارچه و گسترده ای از دانشجویان انقلابی گردید و ابعاد بینظیری و وسیع توده های خلق را بدنبال آورد و دانشجویان موفق شدند توطئه دولت بنی صدر و نوکرانش انقلاب در حمله به دانشگاه را به بهانه مسئله بنگلادش و ... افشا کرده و تا اولین ثابات تا ما فردا روز به تعمیم بدهد و با ردیف جدید سرانجام حملات و ضدانقلاب ارتجاع را به حرکت اصرخود با پای خویش بدانها افشا دادند چرا که این حرکت بیش از پیش دولت و شورای انقلاب و شخص بنی صدر را در پیش توده های با زهم بیشتری رسوا میکند . ضد اقدامات درونی آنها را که در همین مورد تنها جبهه دانشگاه ها نیز آشکار می سازد ، تحت فشار می بخشد و سرانجام با وارد ساختن ضربه مقابل جنبش طلبهای ایران و مبارزات زحمتکشان منعکس می نماید .

در مقابل ، مقاومت دلیرانه ما از اینکه در کوتاه مدت به خط مراکز و دفاتر دانشجویی بیاد تحاکه مدیانه ، در هر صورت بخاطر حفاظت و امنیت و بقای انقلابی آن مرحله جدیدی از مبارزات دانشجویان آگاه و انقلابی میگشاید . مقاومت زنده شما دانشجویان بخصوص در دانشگاه شهران و در شرایطی که طبق گردش زیر و بم خوب و تاکتیک قرار داده و حمله به چاپخانه ها برای جلوگیری از انتشار دانشجویان گروه های چپ و ... آغاز گردیده است ، دانشگاه این سنگر همیشه مقاومت را تبدیل به مرکز آگاهی توده ها نموده و به این ترتیب در واقع پشت جبهه ای از نظر سیاسی ـ تبلیغاتی برای کردستان قهرمان ایجاد کرده ، که در هر صورت در اشکال مختلف باید ادامه یابد !

از طرف دیگر این مقاومت باعث همبستگی هر چه بیشتر صفوف دانشجویان آگاه و انقلابی گردیده که تشکیل کمیته های همآهنگی بین گروه بندی های مختلف دانشجویان در حال طی مراحل آزادی میباشد .

ما ارزیابی خود را نسبت این حرکت را به وقت دیگری موکول می کنیم و اینک بدنبال مبارزات قهرمانانه دانشجویان و اخراج گاه ایجاد بیرحمانه و ددمنشانه ، که در مقابل سنگ و چماق و گلوله قهرمانانه ایستادگی کردند و به شهادت رسیدند درود می فرستیم و اعتقاد داریم که با سنگ با خون شهدای قهرمان ما نشان دادند که قهرمانان و مدافعان دانشجوی دلیر و فدایی آگاه زنده است همواره مقاومت ما بسته ای در مبارزات انقلابی خلقها و ما علیه امپریالیسم و ارتجاع خواهد داشت .

درود بر شهدای پیراشاهنامه اول اردیبهشت

هرچه بیشتر باد همبستگی و مقاومت قهرمانانه دانشجویان انقلابی

مرگ بر امپریالیسم و مزدوران داخلی آن

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

اعلامیه شماره ۲۴ ۱۳۵۹/۲/۱

گرامی باد اول اردیبهشت روز مقاومت دانشجویان انقلابی

پیام به دانشجویان قهرمان ، مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان !

دانشجویان مبارز و انقلابی !

مقاومت یکپارچه و همبسته شما جوانان قهرمان در مقابل یورش ارتجاع به دستاوردهای دمکراتیک خلق و تقدیم چندین شهید و مدافع در صف به آستان انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی ایران را که با ددمنشی هر چه بیشتر و سخت پیرامنها و رسالت دانشجویان مترقی و انقلابی را طلبید ارتجاع و امپریالیسم زنده می سازد شایسته و سزاوار شهدای قهرمانی که در این راه به شهادت رسیده و درود می فرستیم ، از اعتقاد داریم که خون این شهدا در زیر پای خون این شهدا در عین بزرگی است برگردن ما مردم ، ما مردم ایران ، سعی را مقاومت و رسالت و مبارزه و پیروزی !

پیکار در اینجا نه شما در شرایط حساس کنونی که در مقابل باران سنگ و گلوله و در مقابل چنگ و انواع حملات وحشیانه دیگر ایستادگی کرده اید شما در دست شما را حرکت ارتجاع نمیباید . حرکتی که ضد به دستاوردها و آزادی ـ های دمکراتیک در ایران ، تنها شما نیستید ، حرکتی که جنبش کارگری و دهقانی و خلقهای تحت ستم ما را در کارها نه و موزه و در کردستان و ترکمن صحرا و ... نشانه رفته است .

شما با مقاومت قهرمانانه خود در واقع وحدت مبارزاتی و عملی خود را با زحمتکشان نشان دادید . اگر حاکمیت که کارگران و دهقانان در مقابل حمله به نیروهای واقعی و دیگر دستاوردها بیان مقاومت می نمایند ، همانا نکته خلقهای کرد و ترکمن حاضر نیستند در راه های فیا و خونین ۲۲ بهمن و پیکار دلیرانه خود در راه رژیم جمهوری اسلامی را در دست دهند ، شما نیز همان جوهر و ما هیت انقلابی خلقها را در حرکت مقاومت جویانه تان نشان دادید .

ما بخوبی میدانیم که ارتجاع با حرکت اصرخود با پای خویش به ما افشا دادند چرا که این حرکت بیش از پیش دولت و شورای انقلاب و شخص بنی صدر را در پیش توده های با زهم بیشتری رسوا میکند . ضد اقدامات درونی آنها را که در همین مورد تنها جبهه دانشگاه ها نیز آشکار می سازد ، تحت فشار می بخشد و سرانجام با وارد ساختن ضربه مقابل جنبش طلبهای ایران و مبارزات زحمتکشان منعکس می نماید .

در مقابل ، مقاومت دلیرانه شما از اینکه در کوتاه مدت به خط مراکز و دفاتر دانشجویی بیاد تحاکه مدیانه ، در هر صورت بخاطر حفاظت و امنیت و بقای انقلابی آن مرحله جدیدی از مبارزات دانشجویان آگاه و انقلابی میگشاید .

مقاومت زنده شما دانشجویان بخصوص در دانشگاه شهران و در شرایطی که طبق گردش زیر و بم خوب و تاکتیک قرار داده و حمله به چاپخانه ها برای جلوگیری از انتشار دانشجویان گروه های چپ و ... آغاز گردیده است ، دانشگاه این سنگر همیشه مقاومت را تبدیل به مرکز آگاهی توده ها نموده و به این ترتیب در واقع پشت جبهه ای از نظر سیاسی ـ تبلیغاتی برای کردستان قهرمان ایجاد کرده ، که در هر صورت در اشکال مختلف باید ادامه یابد !

از طرف دیگر این مقاومت باعث همبستگی هر چه بیشتر صفوف دانشجویان آگاه و انقلابی گردیده که تشکیل کمیته های همآهنگی بین گروه بندی های مختلف دانشجویان در حال طی مراحل آزادی میباشد .

ما ارزیابی خود را نسبت این حرکت را به وقت دیگری موکول می کنیم و اینک بدنبال مبارزات قهرمانانه دانشجویان و اخراج گاه ایجاد بیرحمانه و ددمنشانه ، که در مقابل سنگ و چماق و گلوله قهرمانانه ایستادگی کردند و به شهادت رسیدند درود می فرستیم و اعتقاد داریم که با سنگ با خون شهدای قهرمان ما نشان دادند که قهرمانان و مدافعان دانشجوی دلیر و فدایی آگاه زنده است .

همواره مقاومت ما بسته ای در مبارزات انقلابی خلقها و ما علیه امپریالیسم و ارتجاع خواهد داشت .

درود بر شهدای پیراشاهنامه اول اردیبهشت

هرچه بیشتر باد همبستگی و مقاومت قهرمانانه دانشجویان انقلابی

مرگ بر امپریالیسم و مزدوران داخلی آن

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

اعلامیه شماره ۲۴ ۱۳۵۹/۲/۱

مبارزه و مقاومت را در اشکال دیگر ادامه دهیم!

رفقا! دانشجویان هوادار سازمان!

با درود به شهدای قهرمانی که در روز اول اردیبهشت ، "روز مقاومت دانشجویان انقلابی" بهمراه سایر دانشجویان انقلابی ، به آستان انقلاب دموکراتیک ـ ضد امپریالیستی میهنمان عرضه داشتند !

با درود به روح مقاومت جویانه و آشتی ناپذیر شما و سایر دانشجویان انقلابی !

رفقا :

مقاومت دلیرانه شما که در مشی مبارزه دموکراتیک ـ ضد امپریالیستی خلقهای تحت ستم ما در برابر یورش وحشیانه ارتجاع به دانشگاه صورت گرفت ، درسهای بزرگی بهمراه داشت و رهنمودهای مهمی را پیش پای حرکت شما قرار میدهد .

ایستادگی و پایداری شما بر اساس یک خط مبارزه دموکراتیک ـ و خط مشی آزادمنشانه ، فاصله میگیرند و ... و دیدید که یکی چگونه مقاومت و پیروزی می آید و در جراحی انقلابی آن را نشان میدهد . این از یک سو ، از سوی دیگر حرکت ارتجاع پرامی سنبد که چگونه به شیوه های آریا مهری با واژگون جلوه دادن حقایق ، در جهت فریب توده ها ، شوخه گری می کند ، و می ـ بینید چه آسان با عوامفریبی در جهت دارک سیهه و یورش همه جانبه به انقلاب و ایجاد جنگ داخلی است . لذا شما اکنون چند وظیفه مهم و محوری پیروزی شما قرار دارد :

۱ ـ آرمانی ، مصممی و مستحکم گیری از حرکت مقاومت جویانه خود و تقویت و تحکیم را مظفر نمودن مبارزه و مقاومت ، مستلزم تقویت بنیان تشکیل خلق انقلابی و تکاپو نسبت آن در جهت آگاهی و بیداری طبقه کارگر و توده های خلق .

۲ ـ گوش فرا دهید حدت و خلط توده های آریا دانشجویان انقلابی که در اوضاع سیاست های متزلزلانه گرفتار شده و علیرغم اصحاب انقلابیان ، مشی و ایدئولوژی مارکسیستی را به سرخط فکری آنان غلبه نموده و موجب گاهش پتانسیل و روحیه انقلابی و مبارز در آنها شده است .

۳ ـ مبارزه در جهت احقاق حقوق صنفی ـ سیاسی خود که با یورش سپاه جهل و سرکوب بانیسی سعی در لگدمال نمودن آن دارند ، در همین راستا تشکل خلق انقلابی و تکاپو نسبت آن در جهت آگاهی و بیداری طبقه کارگر و توده های خلق .

۴ ـ تشدید و تروج : بودن ایده های انقلابی و برنامه و اهداف سازمان نیمان توده ها ، افشای ماهیت و عملکردهای ضدخلقی هیئت حاکمه و ارتجاع سیاه جهل و سرکوب به دانشگاهها ، توضیح در باره مقاومت متحدانه و قهرمانانه دانشجویان و مبارزه دانشجویان زندانی و اهداف انقلابی آن ، توضیح در باره وضع زندگی و مبارزات کارگران ، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران ، از حمله خلق قهرمان کردستان برنامه ای ده و قابل فهم توده ها . این کار می ـ بستی علیرغم جلوگیری و ممانعت دولت بنی صدر نیروی هوادار انقلاب و عناصر آگاه و بیا خود فروخته ، بطری محتمله و از حمله موارد در صورت گیرد :

اعتقاد و ارتباط با توده ها ، و بنا بر این ، سازمانیابی نیروی دانشجویان و بطور وسیع ، بخش وسیع اعلامیه ها و تراکت های سازمانی ، تشکل اکثریت دانشجویان ، اعتقادی و موضعی در مناطق مختلف شهر و بویژه در مناطق زنده از واقع دانشگاه ، مشورت ، اعتصاب ، آگاهی دادن مردم ، سرکوبی را و اعتصاب های عمومی با همکاری گروههای انقلابی دستور بادو طرفه شرایط و تا کمیتهای نوید ، نظر تشکل علت سخت و کاهش و ... کارگران و زحمتکشان در کارخانه ها و محلات توده ای و ...

درود بر شهدای اول اردیبهشت !

مستحکم باد همآهنگی دانشجویان قهرمان و انقلابی !

مرگ بر امپریالیسم و ایادی داخلی آن !

سرفرازباد جمهوری دموکراتیک خلق !

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

اعلامیه شماره ۷۵ ۵۹/۲/۱

آری دانشجویان آگاه و انقلابی را نه یورش پاسداران و نه حمله چماقداران و چاقوکشان و نه زندان و نه حتی سرنیزه ارتش نمیتواند از فعالیت سیاسی یعنی خدمت به زحمتکشان باز خواهد داشت !

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

چرخش بسمت ...

حاکمه را ناچار به سرکوبی جنبش توده ای خواهد کرد (۱). در آن هنگام رویزیونیستهای توده ای همچنان به مشاطه گری رژیم ضدخلقی پرداخته و گرایش رویزیونیستی فدائیان آنها را بدام هیئت حاکمه انداخت. اکنون برای آنان که چشمی بینا و گوشی شنوا ندارند تاکتیکهای جدید حکومت می تواند رنگ خطری باشد. حکومت که با انتخاب بنی صدر و مجلس شورای اسلامی کار تثبیت قانونی را تمام شده می دید و از سوی دیگر توده ها را زیر رهبری آیت الله خمینی بسیج شده می پنداشت دیگر لزومی به ادامه سیاست "لیبرالی" و "دمکرات نمائی" در خود نمی دید. بدین ترتیب چرخشی را که از "دمکرات نمائی" به "سرکوب خونین" انجام گرفته و از مدتی پیش آغاز شده است در وقایع اخیر می توان دید:

۱- سرکوبی وکشتار در ترکمن صحرا و کردستان

توطئه آغاز یک یورش همه جانبه از سوی ارتش و پاسداران از مدتی قبل، از سوی نیروهای انقلابی (منجمله سازمان ما) بارها اعلام شده بود. این تدارکات که این بار زیرپوشش "دفاع از مرزهای کشور" شکل گرفته توطئه تنگینی است که سراسر کردستان را در خون و آتش گرفته است. حکومت که مدتی پیش جداگانه به جنبش توده ای ترکمن صحرا فریاد وارد آورده بود، اینبار متوجه کردستان قهرمان شده و تمامی کوشش خود را بکار می برد تا این سنگر انقلابی ایران را درهم بکوبد.

۲- کشتار در دانشگاهها

کشتار هفته گذشته دانشگاهها که برتارمه آن "یورش رسمی" از طرف شورای انقلاب و رئیس جمهور اعلام شد، پرده از ماهیت ضدخلقی حکومت برداشت. ما هیچ گوشی هیئت حاکمه برای بسیج توده ها از دیدگاه خودشان به نتیجه رسید و نتوانستند با بسیج اوباشان "انجمن اسلامی"، "کمیته ها"، "پاسداران" و ... موقتاً به خواست کثیفشان دست یابند.

جنبش انقلابی دانشجوئی بنا به سنت پر افتخار و قهرمانانه خود صدها مجروح و دهها شهید از انقلابی تقدیم انقلاب دموکراتیک میهن مان کرد. "بنی صدر"، شورای انقلاب، حزب جمهوری اسلامی، انجمن های اسلامی و... نشان دادند که علیرغم تمامی اختلافاتشان در سرکوب جنبش توده ای و کمونیستی با یکدیگر وحدت دارند. جریان ارتجاعی "حزب جمهوری اسلامی" که ماهیت کثیف خود را از همان هنگام تشکیلش نشان داده بود و از گردانندگان اصلی این حرکات بود از هیچ کوششی برای تهمت زدن به جنبش انقلابی دانشجوئی (از تهمت وابسته زدن به دانشجویان انقلابی گرفته تا ادعای مسلح بودن! آنها و ...) تشکیل باندهای سیاه و ... فروگذار نکرد. رهبران خرده بورژوازی مرفه و بطور کلی تمامی جناحهای هیئت حاکمه نیز هرکدام نقش خود را در جریان این یورش ایفاء کردند.

(۱) - "زیگزاگهای ضدانقلاب و ..." ضمیمه پیکار ۳۴.

(۲) - البته در اینجا منظور مان این نیست که نیروهای انقلابی نمی توانند از تاکتیک مناظره استفاده کنند بلکه این است که استفاده از این تاکتیک با یستی با شناخت درست از ماهیت حکومت از برپائی چنین حرکاتی با شدونه امتیاز دادن به حکومت.

۳- تقویت ارتش ضد خلقی

تقویت و تثبیت ارتش ضدخلقی یکی از پایه های اصلی دولت بنی صدر در اجرای سیاست "حاکمیت یافتن دولت" می باشد. بنی صدر تاکنون با راه انداختن "قاطعیت" سخن گفته و با راه خلق کردر به سرکوبی تهدید کرده بود (که نمونه آشکار آن سخنرانی وی در روز جمهوری اسلامی بود). بنظر گردانندگان حکومت در گیر کردن ارتش و انجام مستقیم سرکوب توسط آن بهترین وسیله برای تحکیم ارتش می باشد. حکومت که پس از مدتها اینک به این نتیجه رسیده است که "پاسداران" نظم و انضباط کافی ندارند، تحکیم ارتش را در صدر وظایف خود قرار داده است.

از سوی دیگر طبق اطلاعاتی که رسیده، سرتیپ امیر رحیمی (فرمانده سابق دژبان مرکز و کسی که بارها قبل از یورش شهریورماه به کردستان تقاضای فرستادنش به کردستان و سرکوب خلق کرد را کرده بود)، با موافقت آیت الله خمینی برخی از فرماندهان بازنشسته ارتش را به بازگشت به سرکار دعوت کرده است.

۴- سرکوب کارگران و ترور انقلابیون

سرکوبی جنبش های کارگری در ماههای اخیر سیر فزاینده ای پیدا کرده است. اعتصابی جنبش کارگری و رویاروئی شدید کارگران با عوامل حکومت که منجر به کشتار دروده اند - بمشک، ماهشهر و ... گردید، می رساند که توده ها روز بروز به مبارزه انقلابی علیه حکومت روی می آورند. این خیزش های توده ای که بدنبال توسعه بیکاری، فقر، گرانی و ... بوقوع می پیوندد خبر از فرو ریختن توهمات توده ها از هیئت حاکمه می دهد و از سوی دیگر سرکوب مبارزات کارگران به مرور بیک شیوه عمومی هیئت حاکمه تبدیل می شود و بدون شک این رویاروئی و سرکوب در آینده توسعه بیشتری خواهد یافت. از سوی دیگر از مدتی پیش شیوه ترور انقلابیون (کمونیست و دمو - کرات) توسط گروههای مزدور که مستقیماً از سوی هیئت حاکمه هدایت میشوند، بیکی از شیوه های مقابله با جنبش توده ای تبدیل شده است. حکومت که از اعدام مستقیم نیروهای انقلابی اجتناب می ورزد (که نتیجه تجربه آنها از اعدامهای خلخالی در کردستان است) به این طریق می کوشد تا اهداف خویش را انجام دهد.

۵- لوایح و محاکمات "قانونی"

یک سلسله لوایح به تصویب شورای انقلاب رسیده است که بطور آشکار سرکوب توده ها را صورت "قانونی" و رسمی داده است. چنین است لایحه مربوط به مجازات عناصر "اخلالگر" در ارتش، درکارخانجات و ... که برای آنان مجازات های سنگینی در نظر گرفته شده است. لایحه غیرقانونی بودن گروه - های مترقی نیز بطبق اطلاع مهدوی کنی در دستور کار "شورای انقلاب" است که ممکن است بزودی تصویب گردد. از سوی دیگر گردانندگان حکومت از محاکمه قریب الوقوع صادقی، تقی شهرام و ... سخن می گویند و طبیعی است که آنها چه نوع "محاکمه ای" را مد نظر دارند.

★ ★ ★

همه حرکات بالا نشانگر حرکات فزاینده حکومت در رویاروئی با جنبش انقلابی است. در عین حال شیوه هائی که در این مقطع حکومت برای سرکوب بکار می بندد، نشانگر این است که آنان از تجربه قبلی خود (یورش فاشیستی به کردستان - شهریور ۵۸) سازمانهای دانشجوئی، مناظره سر بسته داده میشود. رابطه هیئت حاکمه با توده ها سر بهمین ترتیب است:

شوراها را سرکوب می کنند و رسمی هم را جزئاً تقسیم! جنگ علیه عراق براه می اندازد تا در پوشش آن کردستان قهرمان را در خون خفه کند! از "مبارزه با امپریالیسم آمریکا" دم می زند و از بحران سیاسی ایجاد شده میان سازمانهای دانشجوئی، مناظره سر بسته داده میشود. رابطه هیئت حاکمه با توده ها سر بهمین ترتیب است:

شوراها را سرکوب می کنند و رسمی هم را جزئاً تقسیم! جنگ علیه عراق براه می اندازد تا در پوشش آن کردستان قهرمان را در خون خفه کند! از "مبارزه با امپریالیسم آمریکا" دم می زند و از بحران سیاسی ایجاد شده میان

- مشخصات لحظه کنونی و مقایسه آن با جریان یورش اول به کردستان در این است که اولا نیروهای انقلابی بسیار قدرتمندتر از سابق اند، ثانیاً تضاد در هیئت حاکمه و جناحهای مختلف آن از عوامل تضعیف کننده حکومت است، ثالثاً بحران اقتصادی بسیار رشد یافته تر از گذشته است.
- سرنوشت محتوم چرخش حد ید حکومت بسمت سرکوب همه جانبه انقلاب، چیزی جز شکست نیست، شکستی که نه در دراز مدت بلکه در کوتاه مدت گریبانگیر هیئت حاکمه خواهد شد.
- طبق اطلاعات رسیده، سرتیپ امیر رحیمی (فرمانده سابق دژبان مرکز) وکسی که بارها پیشنهاد حمله به کردستان را با فرماندهی خودش داده است، با جلب موافقت آیت الله خمینی عده ای از فرماندهان بازنشسته و سابق ارتش را دعوت به بازگشت به خدمت نموده است.

قادر بود "زشت ضد امپریالیستی" بجود بگیرد، نه می توانست به "رفرم" دست بزند و نه می توانست از تزلزل برخی از نیروهای انقلابی برای تضعیف جبهه انقلاب استفاده کند. در حالیکه امروز بنی صدر تمامی این تاکتیکها را در آستین دارد. او از یکسو "رفرم بانکها" و "رفرم ارضی" را مطرح می کند تا مرگ محتوم سرمایه داری وابسته را با انجام رفرم هائی جزئی به عقب بیندازد، از سوی دیگر "زشت ضد امپریالیستی" بخود می گیرد تا مبارزات ضد امپریالیستی توده ها را در چهارچوب منافع هیئت حاکمه منحرف سازد. ما بدرستی تاکنون چندین بار ماهیت تاکتیک های جدید حکومت را در مقالات مختلفی تشریح کرده و محتوای واقعی آنرا که خلع سلاح توده ها و سرکوب آنان می باشد، توضیح داده ایم. "دموکرات - نمائی" تاکتیک دیگر حکومت است که نمونه - های آنرا در ماههای گذشته بخوبی دیده ایم. بنی صدر از یکسو از سرکوب خلق ترکمن پشتیبانی قاطع می کند و از سوی دیگر مناظره بان انقلابی را صریح و آشکار در دانشگاه ها کشتار می کند و از سوی دیگر در تلویزیون مراسم جریکهای فدائی خلق را برای بزرگداشت شهدای اردیبهشت نشان داده میشود. از یکسو دفاتر گروههای انقلابی در دانشگاهها تعطیل می شود و از سوی دیگر "اجازه" داده می شود در بیرون دفاتر خود را تشکیل دهند و برای دوکشور سود می برد تا زیرپوشش آن نیروهای انقلابی را وابسته به آمریکا قلمداد کرده و آنها را سرکوب کند! چنین است ویژگی های لحظه کنونی.

بدین ترتیب است که کمونیستها و نیروهای انقلابی با یستی مبارزه خود را برای افشاگری چنین تاکتیکهائی گسترش دهند و هرکجا که ارتجاع یورش می آورد، با تمام قوا از دستاوردهای انقلاب دفاع کنند. مشخصات لحظه کنونی و مقایسه آن با جریان یورش اول به کردستان در این است که اولا نیروهای انقلابی بسیار قدرتمندتر از سابق اند و در صورتی که درک درست از ماهیت هیئت حاکمه داشته باشند، قادرند این یورش تکاندهنده را محکوم به شکست کنند، ثانیاً تضاد در هیئت حاکمه و جناح های مختلف آن از عوامل تضعیف کننده حکومت است و ثالثاً بحران اقتصادی (ونی آمد آن اعتراضات و مبارزات توده ها) بسیار رشد یافته تر از گذشته است. سرنوشت محتوم چرخش حد ید حکومت به سمت سرکوب همه جانبه انقلاب، چیزی جز شکست نیست، شکستی که نه در دراز مدت بلکه در کوتاه مدت گریبانگیر هیئت حاکمه خواهد شد. اما بهره گیری از چنین شکستی در گرو حرکت و تلاش نیروهای انقلابی و سوسیالیست انقلابیون کمونیست است.

ویژگی های لحظه کنونی را در پیش رو نیروهای انقلابی را برای شما نمایان می سازد.

تشییع جنازه یکی از قربانیان دانشگاه که با گلوله پاسداران به شهادت رسیده است. جنازه در عرض دو روز در سیل دانشجویان انبوه کشانده شد!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

هنر مقاومت هنر پرولتری

رفقا! صفحه هنر پرولتری هنر مقاومت، این شماره به درج اشعاری اختصاص یافته است که خود کارگران بمناسبت روز جهانی کارگر، سروده اند، اشعاری که در آن، آرمانها و عواطف آشتی ناپذیرشان انعکاس یافته است، اشعاری که اگرچه در آن رفقای کارگر بنابه دلایل فراوان قادر به بکارگیری همه قوت وفن های این رشته ازهنر نبوده اند اما پاکی وصمیمیت احساسات خروشان، بی تکلفی و سادگی بیان و مهمتر از همه انعکاس برهنه رنجها و امید های آنان ارزشی ویژه به آثارشان می دهد. بگذریم که پاره ای ازتصاویر اشعار و یاتمام یک شعر از نمونه های قابل تحسین بشمار می آید (مثل شعر "شاعران" ازرفیق خروشانی)، در خاتمه یک نکته را یادآوری می کنیم و آن اینکه تعدادی از اشعار تصحیح شده است.

رفیق حسن ... کارگر هوادار سازمان ... به مناسبت اول ماه مه

اول ماه مه

... به چه فکر می کنم؟
روز کشت فردا
در صفوف فشرده
رنجبروار
متحد و با گریبان
در سپر و لوله ها میسودیا
★ ★ ★
هان!
اول ماه مه می آید
این روز را از یاد مبر
خیابانها را بشکوبید
این ما شیم که می آئیم
با دستهای پرجوشکمان
که در هوا گره می خورند
وجهانی به سینه ها بمان
درود می فرستند
این ما شیم که می آئیم
فردا.
فردا، روز متحد شدن ما
روز رنجبران روی زمین است فردا.

شعری از: رفیق کارگر (شفق) که در رابطه با فاجعه "قه لاتان" سروده است.

بیاد شهدای روستای "قه لاتان"

منها و (۱)، قدسی (۲)، با سربندی (۳)....
پدران رنج،
ای دستان بالنده زمین
دست پینه بسته تان مرهمی ست
بر قلب بیشمرگی
ای دستان چال شده:
داسهای درخشانتان را بر آفتاب می بینم،
هنوز هم برکندمهای طلائی فرو می آید.
خوشه های رنجتان زندگی می بخشد
چگونه جلادان شما را به خون می کشند؟
مسلسل پیشمرگان در سینه جلادان
سرود رنجتان را می خوانند.
تا خوشه های رنجتان را به غارت می برند.

(۱) - پیرمرد ۱۱۰ ساله
(۲) - ۷۰ ساله
(۳) - ۷۵ ساله - هر سه از شهدای روستای "قه لاتان".

از رفیق کارگر خروشانی

شاعران

آنگاه که طبقات غدین
شاخ و شانه می کشند برای بقاء
شاعران چه می کنند
می سرایند یا می خرامند بر خرمن کاغذها؟

آنگاه که انسانهای گمشده در رنج
از هر سو هجوم می آورند
سوی حماز مرگ آلود گذشته ها
و فریاد می کنند یکانه ناجی خود را:
پرولتاریا
پرولتاریا
شاعران
این حمل کنندگان اندوه بشر
چه می گویند در مدح این عصیان
سخنوار می کنند یا فریاد
می درند نقاب عوامفریبان را
با همچون گذشته ها
سیگارکشان
دم می زنند از هنر بی طبقات؟
آنگاه که تمام رنجبران
از بزرگ و کوچک
از هر نژاد
گرد می آیند زیر پرچم سرخ پرولتاریا
یورش می برند
بی سازش
سوی بورژواها
شاعران
این غرق شدگان دریای عاطفه
از چه می نالند به هنگام ستیز طبقات
از استثمار روحیات نه کارگران
از سفاکی روبه فزون گنج بردگان
با مثل همیشه
تماشا می کنند پرواز زیر خلسه هنر را
در آسمان عیش شان؟
آی شاعران...!
بدر آئید از جامه کهنه پیشینیان
گرد هم آئید با قلم ها تان در جوار کارگران
همراهشان، دست در دست شان
بخروشید به خصم مان...
چه ابد بگذرد ای شاعران
تا دریابید انقلاب رنجبران را
های شاعران!
پرولتاریا
می فشارد به گرمی دستان را
می خواند یکصدا
سرودهای رزم تان را
گر سر دهید آواز
از نبرد طبقات

بخشی از شعر یک رفیق کارگر

صبح ما

... توده ها را هزار مژده
من ستاره ای از صبح دیدم
من نیک میدانم
صبح من نه، صبح ما نزدیک است
صبح ما، سرخ خواهد بود
سرخ
سرخ
چون خون ما
کوسحر
شب تاریک را بشکافد.

قسمتهائی از شعر رفیق ... کارگر هوادار سازمان

به پیش!

به پیش، به پیش!
ای کارگر به پیش، به پیش
کارگر
کارگر
عاشقان سوسیالیسم
در کارو کوشش
به پیش
به پیش
ای کارگر به پیش
روبسوی کارگاهها
کارخانه ها
به پیش
تا صبح زندگی
تا راه انقلاب
عیان شود
به پیش، به پیش
ای کارگر به پیش، به پیش.

کس کسه دسته بیگیریم تا امه حقه فاگیریم

دست یکدیگر را بگیریم تا حقمان را بگیریم

شعر زیر از طرف یکی از رفقای کارگر، در رشت بمناسبت کردهمائی ۲۴ شورای کارگری کارخانه های گیلان به لهجه گیلکی سروده شده است.

من اینا کارگرم چکش بدست (من یک کارگر چکش بدستم)
و سر بزم کارگر صبحینا غروب (بلند میشوم و کار میکنیم صبح تا غروب)
حاصل کارمیشن کی بره؟ (حاصل کارم را چه کسی میبرد؟)
کی اوجینه چکی دیجینه چکی خوره؟ (چه کسی جمع آوری میکند و میخورد؟)
می زگان؟ می خواران؟ یا می برار؟ (بچه های من؟ خواهران من؟ یا برادرم؟)
حاصل کارمیشین هرچی اینه (حاصل کار من هرچه هست)
هرکی سرمایه بنه می کاره سر، (هرکسی سرمایه بگذارد روی کار من)
اون اوجینه، اون دیجینه، اون خوره (او جمع آوری میکند و میخورد)،
می دستمزده تا چیزه دینی (این دستمزد تا چیزم را می بینی)
مرده وعده غذای بزور تیه (برای من سه وعده غذا بزور نمی شود)
شب و روز کار کنم رنج کشم (شب و روز کار میکنم و رنج می کشم)
یا زدستم می زن وزی غذا تا ره (با زهم تا هدگرسنگی زن و بچه ام هستم)
او طرف سرمایه دار ره کی دینی (ولی در عوض سرمایه دار را که می بینی)
اون فقط خوپولره غصه خوره (او فقط غصه پولش را میخورد)
اون کی هرکز می مانستن شب و روز (او که هرگز مثل من، شب و روز)
از کرانی، از کرا به خانه، رنجی شیره (از کرانی، از کرا به خانه، رنجی نمی برد)
از مریضی خوزن یا خوزکان (از مریضی زن و فرزندان خود)
دکتر و برحه که دفترچه بیمه نبینه غصه تا ره (پیش دکتر بیمه که دفترچه بیمه را نگاه نمیکند تا راحتی نمی کشد)
برحه دنیا سامان خوبه همش اوشان شین (هرچه چیزهای خوب در دنیا هست، مال آنهاست)
جای خوب، غذای خوب، با کی ماشین (جای خوب، غذای خوب با که ماشین خوب)
مرده که کارخدای ای برار (به من میگویند ای برادر کار خداست)
تو و سر بر سر یا تو نوسی کارسر (تو بلند شو و بر و سر کارت)
یا یا سی کار بکن غصه نخور (تا میتوانی کار کن و غصه نخور)
کی خدا ای روزی نی اجره دهه (که خدا روزی و مزد ترا میدهد)
تو بگو خان برا رحی بکنم؟ (تو بگو ای برادر عزیزم چه کار کنم؟)
یا زهم برو م و کار بکنم، کار بکنم؟ (با زهم بروم و کار بکنم، کار بکنم؟)
یا که چکش بردارم و با زور) (یا که چکش بردارم و با زور)
برو م و از آنها حقم را بگیرم؟ (بروم و از آنها حقم را بگیرم؟)
ای برادر عزیز هیچ میدانی در این زمان؟ (ای برادر عزیز هیچ میدانی در این زمان؟)
دیگر یکدست صدا ندارد؟ (دیگر یکدست صدا ندارد؟)
تو اگر با من هم صدا نباشی (تو اگر با من هم صدا نباشی)
من اگر دست ترا بگیرم (و من اگر دست ترا بگیرم)
و اگر من و تو یکی نشویم (و اگر من و تو یکی نشویم)
نمی توانیم حقمان را بگیریم (نمی توانیم حقمان را بگیریم)
این بیا شید دست یکدیگر را بگیریم (این بیا شید دست یکدیگر را بگیریم)
تا از آنها حقمان را بگیریم (تا از آنها حقمان را بگیریم)

جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگران و زحمتکشان فرخنده باد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

"روز کارگر" خاری در چشم رژیم جمهوری اسلامی

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را کارگران سراسر جهان با مشتهای گره کرده علیه سرمایه داران جشن می گیرند. سالیان دراز است که طبقه کارگر در سراسر جهان، برگزاری این جشن را به اکثر رژیمهای سرمایه داری تحمیل کرده است. رژیم سرمایه داری وابسته شاه خائن هم طی سالهای گذشته مجبور شد این روز را بعنوان تعطیل عمومی و روز عید کارگران بپذیرد. اما هنوز هستند کوردلان عقب مانده ای که از قبول چنین واقعیتی طفره میروند.

در واقع ماهیت ضدکارگری آنان، آنها را وامی دارد که حتی یکروز از ۳۶۵ روز سال را بیاد کارگر نشناسند. آنها فقط مکیدن خون کارگران و غارت محصول رنج و عرق آنان را میخواهند و یک لحظه شادمانی و ابراز شخصیت را برای کارگران برسمیت نمی شناسند.

در اردیبهشت سال گذشته که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته بودند نهادها و موسسات با مطلاح قانونی خود را بوجود آورند، در برابر برگزاری جشن اول ماه مه و مشارکت فعالانه طبقه کارگر و نیروهای جنبش کمونیستی غافلگیر شدند، حزب جمهوری اسلامی هم برای آنکه از قافله عقب نماند، برای آنکه ماسک ضدانقلابی بودن و ضدکارگری اش پاره نشود ناچار این روز را با طلاح جشن گرفت. حزب مزبور توانست با استفاده از ناآگاهی عمومی که بسیار بیشتر از سال بود هزاران کارگر را در صفوف راهپیمائی خود به میدان "فوزیه" بکشاند.

حزب فراگیر جمهوری اسلامی در قطعنامه آن میتینگ پس از سخنرانی بنی صدر چشمه دیگری از ماهیت ضدکارگری اش را نشان داد و در یکی از بندهای قطعنامه اعلام کرد که باید روز دیگری را بنام روز کارگر اعلام کرد!

علتش معلوم است. سرمایه داران از وحدت طبقه کارگر در سراسر جهان وحشت دارند. برای سرمایه داران پیام ما تیفست کمونیست که "کارگران جهان متحد شوید!" حکم ناقوس مرگ را دارد. این است که بهر حیله ای میکوشند طبقه کارگر ایران را از طبقه کارگر سراسر جهان جدا سازند مبادا همین روز جشن واحد، مقدمه ای و نشانه ای از وحدت آتی آنان باشد.

با رسالت حزب جمهوری اسلامی نتوانست عید کارگران را برهم بزند و علیرغم خواست همه سرمایه داران و تجارونمایندگان آنها که امروز در شورای انقلاب نمایندگان وفاداری دارند این جشن با شکوه تمام برگزار شد.

رژیم ضدانقلابی و ضدکارگری جمهوری اسلامی بوظیفه های فراوان علیه کارگران جید از برسمیت نشناختن شوراهای کارگری گرفته تا ایجاد نظارت ویژه، سرکوب اعتصابات بخون کشیدن تظاهرات کارگران و جلوگیری از ورود نمایندگان کارگران به مجلس شورا و در مقابل، اعطای امتیازات مختلف به سرمایه داران و... و یا لاخره حذف روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) از لیست تعطیلی ها طبق مصوبه "شورای انقلاب" رژیم دید که کمونیستها و کارگران مصمم را زمینه این روز را تعطیل خواهند کرد و حس خواهند گرفت اعتراضاتی به حذف این روز از لیست تعطیلات بلندند و "شورای انقلاب" با اصطلاح بسک عقب نشینی کرد و چند هفته پیش این روز را تعطیل رسمی اعلام نمود.

اما برای این خاری که بجا در چشم شان فرو رفته بود، برای این استخوانی که در گلویشان گیر کرده بود یا بدچاره ای می اندیشیدند. این دروغزنانی که ادعا میکنند "چیزی را از مردم مخفی نمی کنند" علت واقعی مخالفتشان با روز جشن کارگران را مخفی کردند. آنها به وسائل و حیله های متعدد متوسل شدند. یکبار اعلام کردند که روز ۱۲ اردیبهشت یعنی درست فردای جشن کارگران روز رای گیری برای "مرحله دوم انتخابات مجلس" است و طبیعتا راهپیمائی و تظاهرات در ۱۱ اردیبهشت ممنوع میباشد. با این امید که کارگران و زحمتکشان نتوانند روز همبستگی جهانی خود را جشن بگیرند، اما این حیله افشا شد و حضرات آنرا بنوعی پس گرفتند.

سردمداران رژیم ضدکارگری حالا که نتوانستند با گزیرند با لاخره چنین روزی را تعطیل کنند و با اصطلاح جشن بگیرند کینه خود نسبت به کارگر - آن را بنوعی دیگر نشان میدهند. آنها اعلام کرده اند که راهپیمائی روز ۱۱ اردیبهشت در بزرگداشت آیت الله مطهری هم هست! آنها مردم را مانند خودشان احمق می پندارند و با این پاسخ نمی دهند که آخر چه ربطی بین روز بین المللی وحدت کارگران جهان با بزرگداشت مطهری وجود دارد؟ زحمتکشان ما میدانند که حضرات تنها بخاطر آغشته کردن شعارهای آنروز، برای داشتن بهانه ای جهت به اصطلاح اسلامی کردن این جشن و حمله به نیروهای انقلابی چپ چنین کرده اند. اما کدام فردا آگاه است که شما آقایان را نشناسد؟ اما درباره تغییر این روز:

همه میدانیم که شاه روز دیگری را که سالروز تولد شوم رضا خان (یعنی ۲۴ اسفند) بود "روز کارگر" اعلام کرده بود، چیزی که فقط می توانست بعنوان یک "جوک" خنده دار در یاد ها بماند. حالا فکر می کنید حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب کدام "جوک" دیگر را دارند حوری می کنند و کدام روز را "روز کارگر"! معرفی خواهند کرد؟

هرچه باشد حقیقت تابناک مبارزه کارگران با زهم خود را نشان خواهد داد. کارگران جهان، منجمله کارگران ایران، نه تنها عید تاریخی و جاودانی اول ماه مه، بلکه جشن پیروزی نهائی خود و ایجاد حکومت جهانی واحد کارگران را که بر ویرانه نظامهای سرمایه داری و ارتجاعی حتما بنا خواهند جشن خواهد گرفت با میدآنروز و تلاش خستگی ناپذیر در مبارزه بی امان علیه سرمایه داران.

مرگ بر امپریالیسم و شرکای غارتگر داخلیشان! اینست خواست طبقه کارگر در مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی اش.

نگاهی به جنبش کارگری از سال ۴۸ به بعد

از سال ۴۸، اوجگیری تازه مبارزات کارگران شروع میشود. هفت سال بعد از اجرای به اصطلاح انقلاب سفید که توسط امپریالیسم آمریکا و شاه خائن طرح ریزی شده بود، اثرات موقت و خواب آور این رفرم بتدریج برطرف میشود، همزمان با شکل گیری مبارزات مسلحانه خلق کرد در کردستان، مبارزات دانشجویان در تهران، تظاهرات وسیع مردم در جریان شهادت تختی قهرمان، شکل گیری اعتراضات وسیع مردم تهران در جریان معروف به "اتوبوس" و جنبش های پراکنده دهقانی (رازلیق و ...) اعتصابات کارگری نیز در ایران شدت می گیرد. در این سالها اولین نطفه های تشکیلات واقعی کارگران در وجود "کمیته های مخفی کارگری" در کارخانه ها شکل می گیرد. در کارخانه های قزوین زیبا، جهان چیت، نوردهاوز، شرکت نفت جنوب و ... کارگران اقدام به تشکیل کمیته های مخفی کارگری می نمایند. این کمیته ها چندین اعتصاب و اعتراض را رهبری نمودند ولیکن بعلت کمبود تجربه کارگران پیشرو و نبود یک خط مشی صحیح در میان کمونیستها، این نطفه های تشکیلات واقعی کارگری، نتوانستند به مدت طولانی دوام بیاورند. اعضای کمیته های کارگری برای تشکیل سندیکاهای علنی شدند و بتدریج با بدام ساواک افتادند و یا با بهم خوردن تشکیلاتشان پراکنده گشتند. کارگرانیکه در مبارزات سالهای خفقان ۵۲ - ۴۸ در تهران فعال بوده اند قرارهایشان را روی "خط آهن" جنوب شهر بیاد دارند! از اعتصابات یکه توسط این کمیته ها برگزار شده میتوان از اعتصاب وراه پیمائی کارگران مبارز قزوین، (۱۰ اسفند ۴۹)، از اعتصاب و راهپیمائی شکوهمند کارگران مبارز چیت (۹ اردیبهشت ۵۰) از اعتصاب کارگران نوردهاوز، رفت گران اهواز، کارگران نفت آبادان (فروردین ۴۹)، و... نام برد. این اعتصابات خبر از اوجگیری تازه جنبش کارگری می داد.

با سرازیر شدن میلیاردها دلار پول حاصل از فروش نفت به جامعه در اوائل سال ۵۲ وضعیت و مبارزات طبقه کارگر نیز تحت تاثیر قرار گرفت. در آمد دولت از پول حاصله از فروش نفت تا گهان از ۴ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار رسید. رشد سرطانی اقتصاد وابسته، هزاران کارگر جدید را به صفوف پرولتاریای میهن ما راند. با تاسیس موسسات بزرگ امپریالیستی، پروژه های عظیم اجتماعی، راهها بنا در سیلوها، فرودگاهها، فرارگاههای عظیم نظامی، هزاران شرکت کوچک و بزرگ تولیدی مونتاژ و... نه فقط بیکاری روبه فزون سالهای ۵۲ - ۴۸ برطرف شد، بلکه تعداد زیادی کارگر و تکنیسین از خارج وارد شد!

وارد شدن هزاران کارگر جدید و نا آگاه که تازه از روستاها آمده بودند به صفوف کارگران، جنبش کارگری را طی سالهای ۵۵ - ۵۳ دچار افت خاصی کرد. لیکن این جریان مدت طولانی ای نمی توانست پابدا ربماند.

رژیم سرمایه داری وابسته حاکم که بخیال خود وارد دروازه های تمدن بزرگ شده بود، با رشد و گسترش سریع و غول آسای سرمایه داری وابسته مرگ خود را نزدیک کرده بود. ایجاد شرکت های بزرگ امپریالیستی، وارد کردن میلیاردها دلار پول به بازار در حالیکه تولید در جامعه بهمان نسبت افزایش نیافته بود، وارداتِ عظیم مواد غذائی، خانه خرابی هزاران هزار خانوار روستائی که قیمت محصولاتشان انحصاراً توسط دولت تعیین میشد، به افلاس افتادن دهها هزار تولیدکننده خرده پای شهری توسط موسسات امپریالیستی که تولید کلان می کردند، مقروض شدن دهها هزار واسطه جزء شهری که قادر نبودند با فروشگاههای زنجیره ای و غول پیکر و با موسسات بزرگ تولیدی که خود از "تولید به مصرف" را در دست داشتند، رقابت کنند، رشد سرسام آور نرخ تورم در جامعه و... همه و همه آن پایه های عینی اقتصادی حرکات بعدی توده ها و کارگران را بوجود می آورد.

اثرات طبیعی این وضعیت مانند هر جامعه سرمایه داری وابسته دیگر، تند بدرو افزون بحران اقتصادی بود. با راین بحران در درجه اول بر دوش کارگران و سایر زحمتکشان وارد می گشت. سرمایه داران کم شدن سودشان را با بالا بردن قیمت اجناس، اضافه نکردن بموقع دستمزد زحمتکشان، خارج کردن سرمایه ها از کشور، ربا خواری و دزدی و... تامین می کردند. احتکار، بورس بازی بر روی زمین، ربا خواری، بشدت افزایش یافت و بیشتر از همه از این وضع کارگران و سایر زحمتکشان در عذاب بودند. رشد سرمایه داری وابسته، تا بودی آنرا نیز در خود داشت. هرچه سرمایه داری وابسته رشد بیشتری کرده بود، تناقضات و تضادهای درونی آن باز هم بیشتر و حادتر میشد. سالها فقر و محرومیت توده ها، سالها زیر شدیدترین خفقان و دیکتاتوریها بودن، وضع اسفناک اقتصادی توده های زحمتکش، همه و همه توده ها بسمت عملیات حادتر علیه رژیم شاه سوق می داد.

از آغاز سال ۵۵ اعتصابات و اعتراضات کارگران در شکل حادتری دوباره اوج گرفت. صدها کارخانه و هزاران کارگر برای افزایش دستمزد، بالا بردن میزان سود ویژه، حق مسکن، افزایش حق اولاد، افزایش مزایای کارگری و... اقدام به اعتصاب کردند. در این سال اعتصابات کارگران پراکنده و اساساً حول افزایش دستمزد و درآمد دور می زد.

بحران اقتصادی و دیکتاتوری فاشیستی رژیم شاه خائن توده های مردم را بتدریج از خواب بیدار می کند. مردم خارج از محدوده بعد از سه سال، برای اولین بار در حلو مزدوران رژیم به مقاومت با سلاحهای سرد می پردازند و اقدام به آتش زدن حد شهرداری و عملیات شعری دیگر می نمایند. جنبش رو به اوج است. بحران اقتصادی هر روز عمیق تر می شود. فرار سرمایه داران از همان سال

بقیه در صفحه ۱۵

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۴ گزارشی از...

کوبیدن داخل و اطراف شهر بوسیله گلوله‌های توپ و خمپاره از طرف ارتش ضدخلقی و پاسداران باعث شهادت ۴ نفر و تعدادی زخمی می‌گردد. شهدا را که مجموعاً به ۱۳ نفر می‌رسد در حیاط مسجد جامع بعلت عدم امکان عبور به گورستان شهر نگه داشته‌اند. وزخمیها را برای مداوا به بوکان منتقل می‌کنند. ساختمان مایکروویو و مهمانسرا و زاندارمری بوسیله آر.پی.جی.۷ مورد حمله قرار می‌گیرد که تلفات زیادی به دشمن وارد می‌سازد. روحیه مردم و پیشمرگان همچنان عالی و با تمام نیرو سعی در حفاظت از مردم را دارند. ارتش ضدخلقی هر لحظه درنده‌تر می‌شود. هلیکوپترهای کبری با شدت شهر را با رگبارهای پیاپی کالیبر ۵۰ و راکت به گلوله بسته است. یکی از فانتومهای آمریکائی به آسمان شهر آمده و در ارتفاع خیلی کمی مانور می‌دهد. هر یک از اعمال وحشیانه ارتش ضدخلقی و پاسداران سرمایه، کینه مردم را نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بیشتر و اعتقاد آنها را نسبت به سازمانهای سیاسی و مترقی افزون‌تر می‌گرداند. و این اشتیاق در همکاری بی اندازه آنها با پیشمرگان معلوم میشد. ارتباط بین سنگرها بوسیله دختران و پسران شهر برقرار می‌شد. آنها با تشکیل هسته‌ها و گروههای مختلف کارهای متفاوتی را انجام میدادند.

روز یکشنبه ۵۹/۱/۳۱ :

پیشمرگان با نه یکمک مردم و
پیشمرگان سقز می‌آیند

در این روز مقاومت شهر سقز با شهامت و فداکاریهای زیاد دوازدهمین روز خود میشود خبرهای موثق و شادی آوری که بر روی کاغذ درشت نویسی شده روحیه مردم را دوچندان می‌کند. شلیک بی امان خمپاره و توپ با زهم باعث ویران شدن شعدا دیگر بیشتری از خانه‌های مردم می‌گردد چندین مغازه در داخل بازار بکلی ویران میگردد. پیروزاز فانتومهای آمریکائی در فاصله نزدیک، شیرانداز ی هلیکوپترها، شلیک گلوله‌های هرچه بیشتر توپ و خمپاره، ویران شدن خانه‌های مردم بی دفاع، افزون شدن تعداد زخمیها همه و همه اگر بخیال خام مزدوران و وابستگان به امپریالیسم برای ایجاد ترس و وحشت است برعکس تنفر طبقاتی خلق را از آنها بیشتر می‌گرداند. خبرهای متفاوتی در این روز بر روی دیوارها دیده میشد. در تماس تلفنی فرمانده پاسداران سقز با فلاحی، فرمانده پاسداران اعلام داشته که این یک برنامه کمونیست کشی است همه را میکشیم. در جاده سقز- بانه در نزدیکی آبادی کموغه پیشمرگان با نه که برای کمک به سقز حرکت کرده بودند، با افراد ارتشی برخورد می‌کنند و درگیری شروع میشود. در ساعت ۲ شب پیشمرگان قهرمان با اسلحه زوکا به مقر پاسداران و ارتش ضدخلقی در مهمانسرا حمله برده و تلفات زیادی بر آنها وارد می‌نمایند. پاسداران به پرسنل شهربانی اخطار کرده است که به پادگان بروند. فرمانده پادگان از طریق بلندگو ضمن تهدیدات توخالی از مردم شهر خواهش و تمنا درخواست آمبولانس میکرد و این نشانی از ضعف و تلفات سنگین ارتش ضدخلقی بود. آب و برق شهر همچنان قطع است.

حمال آباد در دست پیشمرگان است اما بوسیله شلیک های پی در پی توپ و خمپاره بسیاری از خانه‌ها ویران شده‌اند. با توجه به اینکه آب رودخانه رباد و نیز سرد است اما ارتباط حمال آباد و فرجی آباد بوسیله جوانان شهری برقرار شده و برای آب دونه برده میشود و این جنس مردم در مقابل حمله وحشیانه ارتش ضدخلقی و پاسداران سرمایه مقاومت و دفاع می‌کنند و هر کوته سنگر را با مقاومت بولادین خود پاسخ دندان شکن می‌دهد. سومین روز در میان شلیک های مداوم توپ و خمپاره به شب رسیده و شب نیز همچنین.

روز چهارم دوشنبه ۵۹/۲/۱ (سقز) :

چهارمین روز مقاومت قهرمانانه مردم سقز و پیشمرگان مثل هر روز با شلیک ها شروع شد. آب و برق همچنان قطع است. در اثر گلوله باران بیش از حد حمال آباد از طرف پادگان ارتباط دو باره قطع شده است در اثر شلیک ها و انفجارها چند نفر در حمال آباد کشته و زخمی شده‌اند. فرمانده پادگان از بلندگوا علام می‌کند هر سربازا رتشی در صورت شلیک نکردن اعدام خواهد شد. بر طبق اخبار رسیده چهار نفر از درجه‌دارانی که حاضر به تیراندازی بر روی مردم نشدند در دادگاه به اصطلاح اسلامی به اعدام محکوم و حکم در مورد آنها به اجراء درمی‌آید. مهمانسرا توسط پیشمرگان با موشک انداز زوتا رنجک مورد حمله قرار گرفته که تعدادی از آنها را کشته و مجروح می‌نماید. همچنین تپه بین حمال آباد و قرجی آباد توسط پیشمرگان مورد حمله قرار می‌گیرد. در حمله دیگری که به ساختمان ستاد ژاندارمری می‌شود، تلفات دیگری به ارتش ضدخلقی وارد می‌شود که تعدادی از کشته‌شدگان ارتش عبارتند از ستوان دوم منصوری، سروان جمشیدمادقپور، سرباز مرتضی مادقپور، گروهبان یکم توسلی و سرباز اسکندری. یکی از هلیکوپترها در نزدیکی تپه پارک جنگلی آسیب می‌بیند و به این ترتیب چهارمین روز جنگ مقاومت شهر سقز می‌رفت که شب دیگری را به صبح امید بدل سازد.

روز پنجم سه‌شنبه ۵۹/۲/۲ :

سرپیچی سربازان :

حملات ارتش ضدخلقی و پاسداران سرمایه به مردم شهر سقز همچنان ادامه دارد. هر روز تعداد بیشتری از خانه‌های مردم ویران می‌شود. طبق آخرین آمار تعداد شهدا ۱۶ نفر و زخمی‌ها نه ۶۰ نفر رسیده است. اما مقاومت پولادین مردم قهرمان سقز همچنان پا برجاست و از سازمانها و گروهها خواهان اسلحه هستند. حملات پی در پی پیشمرگان به سنگرهای ارتشیان ضدخلقی و جاشها و پاسداران روحیه ارتش را ضعیف‌تر کرده است. خبرهائی که در این روز بر روی دیوارها دیده میشد به ترتیب زیر است: ۱ - کودکستانی با خمپاره بکلی ویران شده است. ۲ - بیمارستان مورد حمله قرار گرفته ولی خسارت زیاد ندیده. ۳ - شهربانی با خمپاره کوبیده شده و چهار نفر به اسامی رزاقی، محی‌الدینی، اسدبیگی، و یک سیدزخمی شده‌اند. در اثر اصابت خمپاره بیکی از خانه‌های بلوار یک معلم به اسم علی سرحدی شهید شده است. در اثر حملات مداوم ارتش ضدخلقی به شهر، و بیشتر محلات شهر خانه‌های زیادی آسیب دیده‌اند و بسیاری از آنها خراب شده‌اند. مهمترین خبری که این روز همه را خوشحال کرد، فرار دو نفر از سربازان مستقر در تپه پارک جنگلی بود و این به معنی تزلزل و تضاد در بین افراد ارتشی می‌باشد. و دو نفر از افراد ارتشی که از تپه پارک جنگلی بدون اجازه فرمانده به پادگان مراجعه کرده‌اند، به محض رسیدن به پادگان بوسیله بیدادگاه انقلاب اسلامی اعدام میشوند. روز پنجم هم به پایان می‌رسد.

روز ششم، چهارشنبه ۵۹/۲/۳ :

کوچ مردم و مقاومت در مقابل جنگ نابرابر :

ارتش کماکان با حملات بیشتری شهر را به خمپاره و توپ بسته است. خانه‌های زیادی به ویرانه تبدیل شده‌اند. آب و برق همچنان قطع است. مایحتاج مردم بیشتر از بوکان تهیه میشود. عده زیادی از مردم کوچ کرده. اندوبه بوکان و یا دهات اطراف رفته‌اند و این کوچ کردن ادامه دارد. در اثر اصابت یک خمپاره به خانه‌ای در پشت مسجد جامع پسری ۱۶ ساله به شهادت می‌رسد. در این روز یکی از پیشمرگان کومله در اثر اصابت خمپاره به صف شهدا می‌پیوندد و نیز دو نفر دیگر زخمی می‌شوند. اصابت خمپاره‌های ۱۲۰ به ساختمان مقر سابق کومله ساختمان بطور کلی خراب شده و دو نفر نیز زخمی میشوند. ارتباط بین حمال آباد و شهر همچنان برقرار است اما حمال آباد و شهر به ایرانه ای تبدیل شده است.

مردم می‌گویند بعد از جنگ باید اسم حمال آباد را تغییر داده و از نو درست کرده به اسم خمپاره آباد و توپ آباد. شلیکهای پیاپی گلوله‌های توپ و خمپاره در میدان بانک ملی باعث زخمی شدن دو نفر دیگر شده یکی از آنها بلافاصله به ای جیش از ناحیه سر قطع می‌شود.

و این جنگ نابرابر و تحمیلی بر مردم بیگناه سقز و اسامی مناطق کردستان از طرف هیئت حاکمه رژیم جمهوری اسلامی اکنون داد منه بیشتری پیدا کرده و درشهرهای دیگر کردستان نیز درگیری شروع شده است و همچنان خلق کرد در راه کسب حقوق انسانی و ابتدائی خود از دادن شهدای با زهم بیشتر ترسی ندارد. و جنگ همچنان ادامه دارد.....

اخبار دیگری که میتوان به خبرهای روز ششم ۵۹/۲/۳ اضافه کرد به شرح زیر میباشد:

سقز: ۱ - در حمال آباد در اثر گلوله خمپاره ارتش ضدخلقی یک زن شهید و یک مرد زخمی شده است. ۲ - در ساعت ۴ بعد از ظهر یک فرد مشکوک توسط پیشمرگان دستگیر میشود. ۳ - در محله کانی کرمک بر اثر اصابت گلوله خمپاره یک خانه ویران و پنج نفر زخمی شده‌اند.

قسمتهائی از:

اعلامیه کمیته کردستان سازمان بمناسبت تهاجم اخیر رژیم

مردم مبارز ایران!

با لاخره بعد از مدتها تحریک و تبلیغ علیه خلق کرد و نیروهای مبارز و انقلابی آن، هیئت حاکمه جمهوری اسلامی تعرض دیگری را به کردستان آغاز نمود. ارتش ضدخلقی بهمراه پاسداران ارتجاع ابتدا تحت عنوان نقل و انتقال برای رفتن به مرز خواستند وارد سنندج شوند که مقاومت دلاورانه مردم شهر سد راه آنها گردید و سپس در نیمه شب جمعه ۲۹ فروردین به شهر سقز هجوم آوردند. به این ترتیب هیئت حاکمه جمهوری اسلامی یکبار دیگر نشان داد که تمام تسلیمات و سرودهایش در مورد حل طرح آمیز مسئله کردستان و فرستادن هیئت ویژه و عناصر مختلف برای مذاکره چیزی جز عوامفریبی و تبادی و دستاویزی برای تدارک یک جنگ دیگر علیه خلق کرد نبوده است.

خلق آگاه و دلاور کرد و بطور مشخص مردم قهرمان سقز و سنندج طی چند روز اخیر نشان دادند که آنها هرگز هوشیاری خود را در مقابل توطئه‌ها و عوامفریبی های کل هیئت حاکمه از دست نمی‌دهند و پیش مرگان قهرمان طی این مدت و از همان ابتدا یورش مجدد ارتش ضدخلقی توده‌ها و سنگر دیواری مقابله با هجوم ضدخلقی و مقاومت در برابر آن بسیج شدند. در سقز از همان روز ۲۹ فروردین مرد و زن و کوچک و بزرگ در تمام شهر شروع به ساختن سنگر و تهیه مواد لازم برای ساختن کوکتل مولوتف و جمع آوری داروگردید. پیشمرگان قهرمان، این فرزندان دلاور توده‌های زحمت کش در صفوف نخست در برابر صف ارتش ضد خلقی در سنگر قرار گرفتند. مردم روستاهای اطراف بلافاصله سیل کمکهای نقدی و جنسی خود را برای پشتیبانی و تقویت پیشمرگان و مردم شهر بطرف آنها روان کردند. در واقع توده‌های مردم با روحیه عالی و پرشورتر از پا رقبل برای مقاومت و مبارزه و در هم کوبیدن توطئه جدید رژیم بسیج شده‌اند.

در سنندج نیز مردم آگاه و دلاور آن که برای جلوگیری از ورود ستون ارتشی در مقابل آن در جاده نشسته بودند علیرغم کلیه تهدیدها و عوامفریبیهای فرماندهان مزدور ارتش دست از مقاومت برنداشتند و قاطعانه در حفظ دستاوردهای جنبش مقاومت پای فشردند. سنندج قهرمان یکبار چه خود را برای مقابله با یورش ارتش ضدخلقی آماده کرد. پیشمرگان قهرمان با حمایت کامل مردم شهر و روستاهای اطراف به ستون ارتش که میخواست از بیشت شهر وارد آن شود حمله کرده و آنرا بطور عمده در هم کوبیدند و بسیاری از افراد دشمن را کشته و بخش تهیه از تجهیزات آنها را به غنیمت گرفته. و امروز خبر می‌رسد که توده‌های سنندج دیده گردد در شهرهای دیگر چون گامیاران و... به مقابله و مقاومت در برابر مزدوران ارتش و پاسداران برخاسته‌اند و یکانگی و هم سرنوشتی خود را با مردم سنندج و سقز را در دیگر ابراز کرده‌اند.

ما تا هدیم که هیئت حاکمه یورش مزجبانه دیگری را علیه جنبش دانشجویی انقلابی ایران و توده‌های دانشجو آغاز کرده است و شاهدیم که چگونه طی چند روز اخیر دانشگاه‌های ایران صحنه هجوم وحشیانه عناصر فرقه لانز و پاسداران و کمیته‌چی ها در پشتیبانی از آنها شده است...

فراخوان

نیروهای انقلابی! هموطنان مبارز!

توطئه مرکب نیروهای انقلابی و خلقهای مبارز ایران به یکی از خطرناکترین مراحل خود رسیده است. همراه با کشتار وحشیانه در بلوچستان و تلاشهای برای خفه کردن صداهای اعتراض کننده و حق طلب و افشاگر و آگاه کننده، توطئه مرکز دستان نیز کرده است. کردستان این مرز سلحشور مقاومت خلقهای رزمنده ایران را صحنه خدشه‌ناپذیر امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته و سنگر نهائی کشورهای فرون وحشانی ضد خلقی کنند!

اعتراض و مبارزه کردستان و مبارزان مقاومت، مقاومت کوه‌نشین و دهقانان کرد که بر یکسر ارتجاع و ارتش دست نیروهای ضد خلقی و امپریالیستی کوبیده‌اند و ارتش ضد خلقی را در هم کوبیده‌اند و مقاومت روزافزون و اعتراض کردستان و ارتش ضد خلقی را بر می‌گوید.

در کنار این حماسه‌ها و مقاومتها تدارکات حملات سرکوبگرانه روبه افزایش است. آنها برای این سرکوب مقدمه چینی های فراوان کرده‌اند. از مسابقه‌گیری در اطلاعات ایران و فرار گرفتن تا برداشتن حتی روزنامه‌نویسها برای آب، اقلیه‌ها و روبا کردن کار و رسانه‌های بی‌ما و حمله به کلیه سرودهای جنبش و... و همه جهت منحرف کردن اذهان عمومی از بسیج مبارزاتی که برای سرکوب کردستان بعمل آورده‌اند.

شهرها و روستاهای کردستان بوسیله مسلح و حشایانه پاسداران محاصره شده، خواربارها و مخابره بسلسل و بوب موجود شهرها در پیرو از رهگذر و موجب رسانی جمعیتها نیز شهرها شده‌اند. بدنبال کشته و عده زیادی زخمی برجای مانده است. انفجار خمپاره‌ها و مسلسلها و آتش زنها برای جانی و مالی فراوان بسیار وارده است. شهر شده‌اند به پرتک و امکانات دوستانی بوسیله روهای آورزا نمی‌بسا رداره سرودهای زخمی میگوشند از رسیدن داروها و کمکهای درمانی و غذائی به مردم جلوگیری کنند.

کردستان شهرمان با مقاومت و روحیه‌ای بسیار عالی مبارزه. مبارزین کردستان از این سنگر در مقابل امپریالیسم و ارتجاع و ودرفاع از آزادی و استقلال ایران حمایت می‌آفرینند.

هموطنان مبارز!

با آگاه کردن طبقات اعتصابات ضد خلقی رژیم با بسیج امکانات پرتکنیکی و درمانی و غذائی و امساک ایجاد به کردستان بسیاری علو رسیده کرده‌ایم.

ما موجه از پیرتکان مسجد، مبارزه انقلابی و کلیه کسانی که در امور پرتکنیکی تجربه‌دار و مسجد خدمت‌ساز طریق مارمان با ما ارهر طریق دیگر که می‌توانید همه‌طوفان در رسیده در کردستان کمک کنند.

ما از روهایی اعتراض و اسیدبه‌ها و انقلابی و مردمی مسجد اهمیت کشتیهای خود را در این راه بسیار بیشتر بدانید و ما بحاد دهند.

ما از کلیه سرودهای مترقی می‌خواهیم که در ساعت اعتراض خود را علیه کشتارها و غذا که در کردستان خریداری دارد بلند کنند.

پیروز از آن سرودهای رزمنده و طبقات مبارز ایران است!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

اعلامیه شماره ۲۵ ۱۳۵۹/۲/۵

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱۳

نگاهی به ...

۵۵ شروع می شود. تحقیقات "بازرسی شاه" هنگامی که در پی یافتن راه حل جهت بحران اقتصادی است، عمق فاجعه را هرچه بیشتر نشان می دهد. در سال ۵۶ اولین اعتصاب سراسری در یک رشته صنعت، صنعت نساجی، خود بخود شکل می گیرد. تعداد اعتصابات هر روز بیشتر می شود.

متاسفانه آماردقیقی از اعتصابات کارگری طی سالهای ۵۷ - ۵۶ در دست نیست. لیکن در اوایل ۵۷، اعتصابات صنفی کارگران حالت سراسری بخود می گیرد. در مهر ۵۷ اولین اعتصابات سیاسی کارگران قهرمان صنعت نفت بوقوع می پیوندد. بدنبال آن در تبریز، اراک، تهران، کارگران خواسته های سیاسی خود را در اعتصابات مطرح می سازند. لیکن بدلیل کمبود آگاهی سیاسی کارگران و نبود تشکیلات سراسری کارگری، (حزب، واحد طبقه کارگر) اعتصابات کارگری نمی توانست به صورت یک اعتصاب سیاسی همه جانبه درآید.

اولین حرکات مستقل سیاسی کارگران تازه شروع میشد که قیام آغاز شد. بغیر از اعتصاب سیاسی سراسری کارگران مبارز صنعت نفت، فقط چند حرکت سیاسی دیگر از جانب سایر کارگران شکل گرفت. در تبریز ماشین سازی و تراکتورسازی و کبریت سازی توکلی، در اراک آلومینیم سازی، نورد هواز و ... در تهران، نظافت و سیع کارگران قهرمان کارخانه سیمان تهران و تجمع کارگران بنزخاور، از جمله اعتصابات سیاسی است. روشن است که این حرکات دستجمعی کارگران، در کنار شرکت انفرادی وسیع کارگران در مبارزات سیاسی جاری در میهنمان یافته بلکه اساساً بصورت فردی در مبارزات سیاسی شرکت می کردند که رهبری آن بدست خرده بورژوازی بود. کارگران ما هنوز حزب واحد طبقاتی خود را نداشتند و بهمین لحاظ نمی توانستند بعنوان یک "طبقه" و برای خود عرض اندام نمایند. کارگران ما هنوز نمی توانستند سیاست و حرکت مستقل طبقاتی خود را داراباشند. هنوز تعداد کارگرانی که به مبارزات کارگران بعنوان مبارزات یک طبقه، طبقه ای که رسالت رهبری انقلاب دموکراتیک و به پیروزی رساندن انقلاب سوسیالیستی را دارد، نگاه کنند، بسیار اندک می باشند. در همان حرکات سیاسی ابتدائی و اولیه کارگران در قبل از قیام، کارگران شعارهای انقلابی خود را مطرح ساختند:

اتحاد، اتحاد، اتحاد،

ای ملت، ما با هم متحد میشویم،

تا برکنیم ریشه استعمار

درود، درود، درود،

درود بر کارگر!

کارگر، برزگر، رنجبر،

ای کارگر، ما با هم متحد میشویم

تا برکنیم ریشه استعمار

درود، درود، درود،

درود بر کارگر!

کارگران آگاه طی همین حرکات سیاسی خودشان دادند که چه نقش تعیین کننده ای میتوانند در انقلاب ضد امپریالیستی میهنمان داشته باشند. کارگران آگاه نشان دادند که هرگاه در یک حزب واحد طبقاتی گرد هم بیایند، قادرند هر نیروی ارتجاعی را زبیخ و بن براندازند.

قبل از قیام، و تحت شرایطی که رژیم ضد خلقی حاکم مجبور به عقب نشینی های فراوانی شده بود، سیل روشنفکرانی که برای پیوند با پی با طبقه کارگر می کوشیدند، بسوی کارخانه ها روان شد. روشنفکران آگاه که آزادی میهن را از قید هرگونه وابستگی به امپریالیستها در رهبری طبقه کارگر برای انقلاب می دیدند، بمیان کارگران می شتافتند، تا آگاهی رهائی بخش سوسیالیستی را بمیان آنان ببرند. روشنفکران در اغلب حرکات کارگری شرکت می کردند. (در جریان تحصن کارگران بنزخاور، تحصن کارگران جنرال متمنی اعتصاب کارگران ۲۵ شهریور، و در شهرستانها و ...).

با شکل گیری حرکات سیاسی مستقل کارگران و با آمادگی توده های میلیونی خلق برای درهم کوبیدن رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم، با شکل گیری حرکات مسلحانه دهقانان در روستاها و عشایر، با تشکیل "دولتهای محلی" کوچک در شهرهائی چون آمل، کم کم رهبری جریانات انقلابی از دست خرده بورژوازی خارج میشد و دیدیم که چطور قیام مسلحانه پرشکوه توده ها در روز ۲۱- ۱۹ بهمن ماه علیرغم میل رهبران مذهبی صورت گرفت. در این حالت لیبرالها که از قبل با توطئه، فریب و بند و بست با امپریالیستها در صدد به سازش کشاندن جنبش توده ها بودند، پیش افتاده، از وحشت رهبری خرده بورژوازی از ابتکار عمل توده ها استفاده کرده و با راه حلهای لیبرالی و قابل قبول برای امپریالیستها "دولت موقت جمهوری اسلامی" را تشکیل دادند. از همان زمان نیروهای انقلابی و کارگران آگاه می دانستند که این دولت جدید، زائیده قیام نبوده، حاصل سازش لیبرالها و امپریالیستهاست.

ادامه دارد...

بقیه از صفحه ۱۶

منطق ...

جلوی دانشکده پزشکی دوباره مورد یورش چماقداران قرار می گیرد و همزمان به دبیرستان عشایری شیراز نیز حمله میشود، که نزدیک به ۶ ساعت بطول می انجامد. حمله منظم پلیس با همان سپرها و باتومها و گاز اشک آور و... یادآور حملات گارد دانشگاه در زمان شاه بود. چندین آمبولانس مرتب زخمی ها را به بیمارستان می رساندند. پلیسی در فلخ جنوبی دبیرستان عشایری یک دختر را دستگیر کرده و بدست اوباشان میدهد. آنها سر این دختر را جلوی چشم حیرت زده دوستانش کنار دیوار گذاشته و با سنگ بر آن می کوبند! چاقوکشان حزب جمهوری اسلامی در پایان درگیری لباسهای دخترانی را که در خوابگاه دبیرستان زخمی ها را پاسمان می کردند پاره کرده و با کاردبه آنها حمله می کنند. آنها همچنین شکم یکی از دانش آموزان را که در همان خوابگاه دستگیر کرده بودند با کاردبا رشرشا رشرشا رشرش

بقیه از صفحه ۱

در راهپیمائی ...

جنایات اخیر رژیم در دانشگاهها و همچنین در کردستان، نشان میدهند که اینهمه ناشی از آن سیاستی است که هیئت حاکمه در "سال امنیت" برای تحکیم پایه های خود و براه انداختن جرح سرمایه داری وابسته در پیش گرفته است.

با سرود "اتحاد، اتحاد" صف بندی مردم شکل گرفت و صف طویل راهپیمایان در مسیر خیابان آزادی و نواب براه افتاد. حمایت مردم کنار خیابانها از راهپیمایان بیانگر حقانیت دانشجویان و نفرت توده ها از جنایت رژیم در دانشگاهها بود. وقتی راهپیمایان فریاد می زدند:

«زحمتکشان بدانید،
دانشگاه شهید داد»

بودند مادران و پدرانی که از شدت تاثر می گریستند و از گوشه و کنار به صفوف راه پیمایان می پیوستند. حتی رژیم تا دیروز چنین کشتار خانه دانشگاهها را بخون نکشیده بود. اگر چه مردم فریاد می زدند:

"۶۱ آذرتا ۵، بدستور بنی صدر، دوباره تکرارند"

لکن همه آگاه بودند که چنین جنایاتی با این وسعت و ادامه، هیچگاه در ایران سابقه نداشته است. در مسیر راهپیمائی، بحثهای افشاگرانه و پخش اعلامیه ها و تراکتهای آگاه کننده، بوفور بچشم می خورد. مردم کنار خیابان با رغبت تمام به بحثها گوش فرا می دادند و اعلامیه ها را گرفته و مطالعه میکردند. همه مردم بوضوح مشاهده میکنند که چگونه انقلابیون در زیر حملات رژیم ارتجاعی حاکم قرار گرفته، لکن در عوض ساواکیها و جنایتکاران رژیم تا دسته دسته آزادمی شوند و این را در فریاد راهپیمایان می یافتند:

"ساواکی آزاد میشه، دانشجو کشتار میشه"

راهپیمائی در میان استقبال مردم، در خیابانهای جنوبی شهر ادامه یافت. پس از قریب ۲ ساعت راهپیمائی، سر و کله اولین دسته جاقوکشان حزب جمهوری اسلامی پیدا شد. بگفته ساکنین محل عده ای از این چماقداران و غدار بندان از اعضای کمیته همان محل بودند (کارت عضویت یکی از این قبیل چاقوکشان در همین نشریه چاپ شده است).

چماقداران که کلوی خود را می دریدند تا مردم را با آوای شوم خود، مرگ بر کمونیست، همراه کنند، نتوان از انجام این امر هرچه دیوانه وار تر با سنگ و چوب به راهپیمایان حمله بردند. اگرچه چندتن از مردم زخمی شدند لکن این راهپیمائی با شکوه تا جلوی دانشگاه ضمنی ادامه یافت و با خواندن قطعنامه ای بپایان رسید.

راهپیمایی و تحصن خانواده های شهدای سینما رکس

بنا بدعوت خانواده های شهدای سینما رکس آبادان روز جمعه ۵۹/۱/۲۹ از ساعت ۹/۵ صبح یک راهپیمائی اعتراضی با شرکت مردم و خانواده های شهدا از مقابل سینما تا محل انجام گرفت. مردمی که بیرون از صف نظامیان هرکنندگان بودند در راهپیمایان را مورد تشدد حمایت خود قرار می دادند. راهپیمایان پس از رسیدن به مقابل سینما رکس، همزمان با کلباران کردن آن، سفرت عمیق خود را از عاملین این جنایت وحشیانه و نیز هیئت حاکمه که پرونده آنها را نزد خود نگاه داشته و افشا نمی کند، ابراز داشتند.

آنگاه خانواده شهدا در برابر سینما به تحصن نشستند. تحصن آنان اگرچه بطور مداوم از طرف اوباشان وچماقداران حزب جمهوری اسلامی با درگیری همراه بود اما با حمایت فعال مردم مبارز آبادان تا آخر شب شنبه ادامه یافت.

پاسداران مسلح با لباس شخصی علیه دانشجویان آگاه!

این سند، کارت یکی از پاسدارانی است که در حمله به دانشجویان آگاه و انقلابی (البته با لباس شخصی) شرکت داشت. او بطور مسلحانه در کنار اوباشان وچاقوکشان و چماقداران وابسته به حزب جمهوری اسلامی نیات پلید این حزب و شورای انقلاب و دولت بنی صدر را به اجرا درمی آورد. براستی به چه دلیل او را با لباس شخصی بمیان اوباشان فرستاده اند؟ برای هدایت و رهبری فالانژها؟ برای ترور دانشجویان و مردم مبارز؟ ما می گوئیم هر دو در مواقع بسیاری رهبری دارودسته های حزب جمهوری اسلامی توسط همین پاسداران (که به لباس شخصی درمی آیند)، صورت می گیرد و ترورهائی که در نظامیان و تحصن ها از پشت سر و غیره صورت می گیرد نیز توسط همین گونه عناصر مسلح به اجرا درمی آید. آری بعضی اوقات برای اینکه سپاه پاسداران با لباس رسمی کشتار نمیکنند و بیش از این در بین مردم رسوا نشوند با لباس معمولی این کار را انجام می دهند!

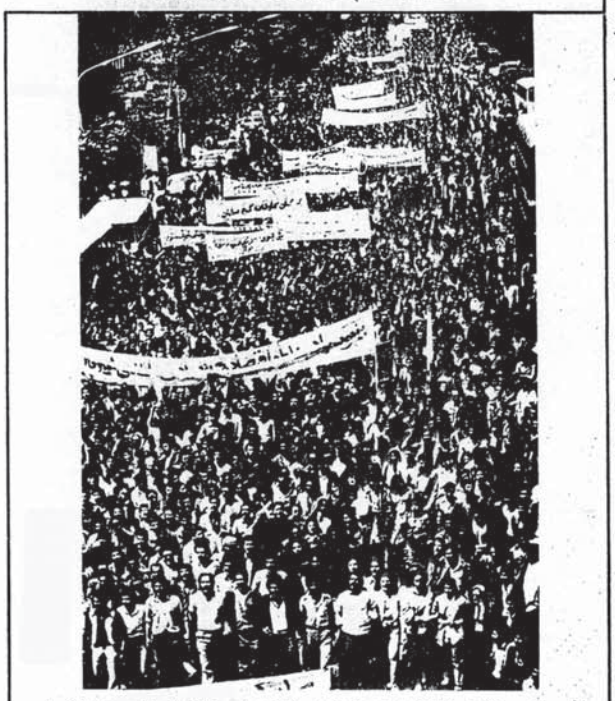

راهپیمائی پرشکوه و صدها هزار نفری کارگران، دانشجویان و دانش آموزان و روشنفکران و ... تهران بمناسبت بزرگداشت روز جهانی کارگر در سال گذشته.

بقیه از صفحه ۲

منطق ...

مورد ضرب و جرح قرار می دادند، در این هنگام یکی از اوباشان بیلی را که در دست داشت بالا برد تا از لبه تیز آن بر گردن دانشجوی زخمی فرود آرد که توسط یکی از دانشجویان انقلابی از دستش گرفته شد.

■ در حالیکه آمبولانس چند بار بر ظرفیتش زخمی حمل می کرد، فالانژهای مسلح اصرار داشتند که زخمی ها را بکشند.

■ اوباشانی که با میله آهنی مسلح بودند، هر دانشجوئی را پیدا می کردند، سرش را هدف قرار می دادند. همین افراد با وجود ممانعت مردم، به صفوف دستگیر شدگان دختران یورش حمله کرده و سر چند دانشجو را شکستند.

در بیمارستان دکتر مصدق جمعیت انبوهی که شدیداً عصبانی و خشمگین بودند، گرد آمده بودند. آنها مرتب هیئت حاکمه ضد خلقی و نهادهای سرکوبگرش با نفرت دشنام میدادند و به نقل و انتقال زخمی ها به بخش اورژانس و از آنجا به ساختمان بیمارستان اهتمام داشتند. در این حین پاسداران با کمال وقاحت در بیمارستان حضور یافته و قصد داشتند کنترل آنجا را در دست گیرند تا در صورت امکان، جنایات ناتمام خود را کامل کنند. آنها همچنین سعی داشتند جمعیتی را که بخشیدن خون صف کشیده بودند، پراکنده کنند و مانع ورود امدادگران و برخی از دانشجویان مدرسه بهداشت زاهدان که برای کمک آمده بودند بکردند. افرادیکه شدیداً بوجودشان نیاز بود، مردم با بنهیه و حشکیری پاسداران بجان آمده و با مشتهای گره کرده و در حالیکه فریاد اعتراضشان عوامل ارتجاع را وحشت زده کرده بود، خواستار اخراج همه پاسداران از محوطه بیمارستان گردیدند. پاسداران در حالیکه بسمت محوطه بیمارستان می رفتند، و قصد فرار داشتند با مشتهای گره کرده مردم مواجه گردیدند. در اینحال برای کشودن راه خود دست به تیراندازی هوائی ... که این عمل آنها موجب وحشت بیماران و خشم و نفرت بیشتر مردم گردید. پاسداران تیراندازی هوائی را تا رسیدن به درب شرقی بیمارستان ادامه دادند و پس از آن گریختند.

گزارشی از تهاجم عوامل ارتجاع و چاقوکشان حزب جمهوری اسلامی به دانشگاه شیراز

دانشگاه شیراز از جمله دانشگاههائی بود که در یورش عمال ارتجاع و امپریالیسم بخون کشیده شد. در روز اول درگیری (۵۹/۱/۳۰)، ابتدا ستاد دانشجویان مسلمان به یاری پاسداران دانشگاه را اشغال کرده و در آن را سیم خاردار میکنند. آنگاه دانشجویان انقلابی، دانشگاه را از جنگ این به اصطلاح انقلاب کنندگان فرهنگی بیرون می آورند. بدنبال این وقایع رادیو تبلیغات وسیعی راه می اندازد و از مردم میخواهد که به دادبیماران!! و مسلمانان برسند و دانشگاه را از جنگ "کفار" بیرون بیاورند! اعلامیه دستغیب و ربانی شیرازی در همین رابطه از رادیو پخش میشود. عده ای چماقدار همراه مردم تا آگاه به دانشکده ادبیات یورش می برند. دانشکده ادبیات، بوسیله پاسداران و چماقداران به ویرانه ای تبدیل میشود (بعداً بوسیله دانشجویان انقلابی از مردم شیراز دعوت شد که از ساختمان بعثت فرهنگی دیدن کنند). در این رابطه دهها نفر زخمی و دستگیر میشوند که بعضی از آنها در اثر اصابت گلوله بوده است. از جمله دختری بنام نسرین رستمی ابتدا از دو با فلج و سپس به شهادت می رسد. روز ۲ شنبه ۵۹/۲/۱ دانشجویان مقابل دانشکده پزشکی اجتماع کرده و شعار می دهند که مورد یورش چماق بدستان قرار می گیرند.

روز سه شنبه ۵۹/۲/۲ بار دیگر در چند نقطه شهر دانشجویان و محصلین اجتماع کرده و شعار می دهند: دانشگاه را می بندند، کردستان را می کوبند، شانزدهم آذر با ردگر زنده شد، دانشجو مقاومت، مقاومت در سنگرت محافظت، مردم بهوش باشید، تعطیلی دانشگاه توطئه آمریکاست و ...

بعد از ظهر همین روز اجتماع دانشجویان

بقیه در صفحه ۱۵

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org